

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

حینعلی مشکان

هادی بهزاد

## اندیشه‌های يك مغز بزرگ!

## براندازی يك مسئله درون مرزی است

ونه ژنرال های که پشت پرده نشسته اند  
وا ربا ب وفرما نروا وهمه کارها اند .

مردم آمریکا لاتین حس تنفرو تحقیقشان  
را نسبت به این قبیل نخست وزیران  
دست نشاند و پوشالی در قالب لطیفه های  
پرمغز منعکس می کنند . از جمله میگویند:  
در جلسه شورای عالی رهبری که با  
حضور فرماندهان نیروهای سگانه و  
فرمانده کل قوای مسلح و آقای نخست  
وزیر تشکیل شده بود ، پس از آنکه ژنرال ها  
در باره کلیات و جزئیات امر بحث کردند  
و تصمیماتشان را گرفتند فرمانده کل رو  
به نخست وزیر کرد و گفت :

«خسته شدیم ، با شوچها رتا جای برایمان  
بیاور .»

بقیه در صفحه ۱۲

مصاحبه قیام ایران با شارل ویلنو

### نویسنده کتاب

### ماجرای تروریسم

شارل ویلنو ، مدیر بخش اخبار را دیو  
" اروپا " از جمله روزنامه نگاران  
فرانسوی است که در دو سال اخیر ، وقایع  
سیاسی ، جنگ ها ، درگیریهای فرقه ای  
خاورمیانه و با لاجرم تروریسم بر خاسته از  
این منطقه را به دقت تمام و قدم به قدم  
دنبال کرده است . در موضوع تروریسم ،  
ویلنو با آنتونی نا پذیرترین وحشت افکنان  
فلسطینی ، سوریاپی و یا ارمنی به دفعات  
گفتگو کرده است . از فرماندهان علنی تا  
مرموزترین فرماندهان تروریسم را می  
شناسد و با برخی از آنها روابط دوستانه  
برقرار کرده است : از یاسر عرفات تا ابو  
نذال و فرمانده خونریز ارتش سری رها پی  
بخش ارمنی به دفعات موضوع مصاحبه هایش  
بوده اند و بی گمان آنها بی کلام وی به  
زبان عربی و خلقیات اعراب ( ویلنودر  
بیروت به دنیا آمده است ) از جمله  
اسباب موفقیتش در نفوذ به سرخی  
سلول های بسیار سری تروریسم خاورمیانه  
بوده است .

بقیه در صفحه ۹

### بن بست ها

سالی که گذشت ، سال پیروزی نظامی برای  
جمهوری اسلامی نشد ، در طی سال پیش ،  
زمانه داران رژیم تهران با هیاهوی بسیار  
اعلام داشتند که کار جنگ را به سود خود  
یکسره خواهند کرد ، و چون سال بسر رسید و  
از پیروزی نشانی نیامد ، همان زمانه داران  
برتر آن دیدند که بی هیاهو زمساء لسه  
بگذرند .

بقیه در صفحه ۳

در کشورهای کودتا خیز آمریکا لاتین ،  
وقتی قدرت به دست نظامیها می افتد آنها  
محض ظاهر سازی و به جهت آنکه وانمود  
کنند حکومت چندان هم نظامی نیست  
پست نخست وزیری را به یکتا غیر نظامی  
واگذار می کنند .  
این نخست وزیر در واقع با زیجه حقیقی  
بیش نیست ، نه مردم او را تحویل میگیرند

### تهدیدهای متقابل

### امریکا و جمهوری اسلامی

بدنبال انتشار اخبار استقرار موشکهای  
ساخت چین از سوی جمهوری اسلامی در  
نزدیکی تنگه هرمز که میتوا ندرت و آمد  
کشتیها را در این تنگه مورد تهدید قرار  
دهد ، جدال لفظی بین آمریکا و جمهوری  
اسلامی بالا گرفت .

رسانه های غربی اخیرا " گزارش دادند که  
جمهوری اسلامی تعدادی موشک از نوع  
" اچ - وای - ۲ " ساخت چین که در غرب  
به " سیلک ورم " یا " کرم ابریشم " شهرت  
یافته در منطقه " کوهستگ " و جزیره قشم  
مستقر کرده است که میتوا نندگشتیها را  
در تنگه هرمز هدف قرار دهند .

بقیه در صفحه ۳

فعالیتها ، درست کردن موقع رژیم " بی  
اثر " نبود .  
قطعاً است که به تیغ آن کوششها  
موضع گیری سازمان های بین المللی  
مانند حقوق بشر و عفو بین المللی و  
با زتاب وسیع آن ها در مطبوعات و دیگر  
وسایل ارتباط جمعی ، ( انتشارات  
بی درپی - تظاهرات بی وقفه - بست  
نشینیها - اعتصاب غذاها و افشاگریها )  
دائماً " از اعتبار و منزلت رژیم میبکشد .  
بقیه در صفحه ۲

### گزارش ناتو در باره

### مثلث جهانی تروریسم

مجلس پیمان ناتو در گزارش رسمی خود  
راجع به تروریسم ، آیت الله خمینی را  
بدرخواست " تروریسم جهانی " لقب داد و  
اعلام کرد جمهوری اسلامی یکی از رژیمهای  
تروریست پرور جهان است .  
به گزارش خبرگزاری فرانسه ، مجلس  
پیمان ناتو که با شرکت ۱۸۶ تن از  
نمایندگان مجالس ۱۶ کشور عضو ناتو  
تشکیل شده است ، روز سه شنبه ۲۴ مارس  
نخستین گزارش رسمی خود را راجع به  
تروریسم بین المللی منتشر کرد .

بقیه در صفحه ۸

مبارزه با رژیم جبر آیت اللهها در  
صحنه های بیرون مرزی " البته بشرط  
اتکاء بر شا لوده های منطقی و تقاضاهای  
اصیل ملی " و نه فقط افسوس بر بهشت  
گمشده " و در عین حال در خطی سازمان یافته  
و مستمر ، بخودی خود مؤثر و پویا است ،  
ولی نقش جاننداری نخواهد داشت و  
نخواهد هدیانت مگر از زیستوانه ی جوشها و  
حرکت های اعتراضی در میدان اصلی نبندد ،  
یعنی ایران ، ما میگیریم .  
گاه به تظاهرات و فعالیت های پر شور و  
پیوسته ی دانشجویی در دوره ی گذشته  
استناد می کنند و نتیجه می گیرند همین  
غوغاهای بیرون مرزی بود که رژیم را  
بر انداخت و به معرکه ی خمینی جان داد و  
بساط کنونی را سبب شد . این یک  
مبالغه ی تمام عیار است .

مسلمانان تظاهرات بیرون مرزی و فعالیتهای  
مداوم کنگره های سیون و سایر گروهها که انواع  
گرایشها و پیوندهای سیاسی وایدئولوژیک  
را با خود می کشیدند و خاصه تداوم آن

الی ویزل شاعر و نویسنده مشهور  
وبرنده جایزه نوبل صلح

### به کجای شب رسیده ایم ؟

به کجای شب رسیده ایم ، شکر ده ؟ ...  
از بسته شدن قرارداد " ایران " که به آزادی  
الجزایر انجامید ، بیست و پنج سال سپری  
شده است ...

در این بیست و پنج سال ، چه بسا افتخار  
و جبروت که غبار زمان گرفت و چه بسا چهره  
و شخصیت که رنگ باخت ؛ بین بلا و بومدین ،  
ناصرو احمد شقیری ، برژنف و سادات ،  
ما رکوزه و سارتر ، چه گوارا و کوهن بندیت ..  
این بیست و پنج سال ، گرچه زودگذشت و  
زود به سر رسید ، بیست و پنج سال کند آهنگی  
بود ، عمر یک نسل بود و عمر یک نسل ، کوتاه  
نیست ...

بقیه در صفحه ۷



### پدر خواننده تروریسم

در صفحه ۸



### تغال اسپینده نوروز

مژده ای که در گربا و صبا باز آمد  
برکش ای مرغ سحر نموده او دبی باز  
عازنی که که گد غم زبانه سوسن  
مردمی کرد و گرم لطف خدا دامن  
لاله بوی می نوشین بشنید از دم صبح  
چشم من در ره این قافله راه بماند  
هدیه خوش خیز از طرف صبا باز آمد  
که سیلیمان گل از باد هوا باز آمد  
تا پیرسد که چرا رفت و چرا باز آمد  
کان بُت ماه نرغ از راه وفا باز آمد  
داغ دل بود با تیسرد و با باز آمد  
تا بلوش و لم آواز در با باز آمد

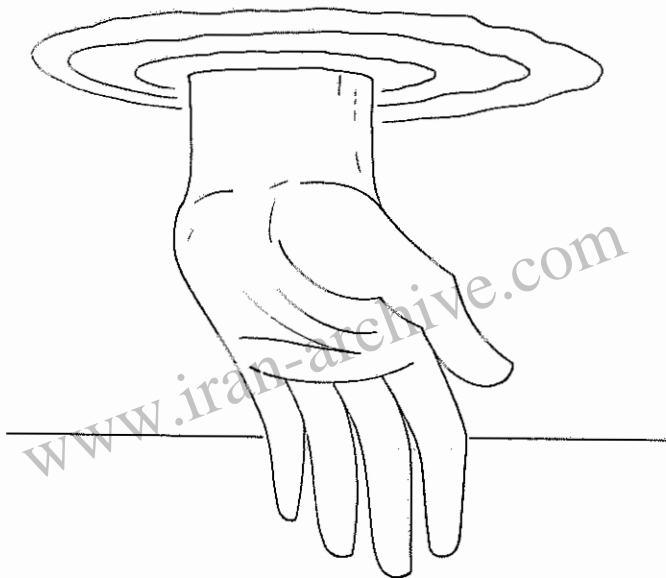
گرچه حافظ در بخش ز دو پیمان شکست  
لطف او بین که به صلح از در ما باز آمد

## براندازی يك مسئله

### درون مرزی است

قراری داد از روحیات حاکم در ایران یعنی عصیان های درونی ریشه می گرفت و گفتنی این است که تا اعتراضات درونی آفتابی نشد و قدرت ظهور نیافت ، نظام ها تا زمانی که با همه وسعت و دامنه های که یافته بود، بخصوص برگردش سیاست های خارجی اش سرزنش های نمی گذاشت و سببی نمی شد تا "دوستان رژیم" از اعتقاد خود به "نگاهبان جزیره ثبات" درگذرند. خدا علی غری که می زدند این بود که چرا حکومت "اندکی سبک تر" نمی گیرد و در بچه ای اطمینانی

و کج روی های خود آن ها ، مشکل عمومی مملکت بود. در این باره بسیار گفته و شنیده ایم که آنرا فاجعه زنجیر امیل ملی، به فقدان فرهنگ سیاسی بازمی گشت. ملتی در بی مطالبات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خود برخاسته و لسی از شناخت راه صحیح و "همراه پاکیزه" عاجز بود این عجز را نظام بر او تحمیل کرده بود. این زیروا را در عمارت علی - ناکامی و ظهور بلا است. هر چه جز این گفته شود یا ذکر مصیبت است و بیپوده و بیافسانه و خیال که به کار را هیای نمی آید



x a m b i z

بقیه از صفحه ۱  
برای نمونه واقعه پرغوغای "بارک لافایت" در آخرین سفر شاه به ایالات متحده به نحو محسوسی رژیم را خراب کرد. ولی آن ها که در این زمینه غلومی کنند و "سقوط رژیم" را منحصر به این گونه عملیات می بندند، ناخواسته و نادانسته خود برستی و پوسیدگی بنا پی راه می دهند که به فروش قلبی دا نشجود رخا رج از کشور، فرومی ریزد و نا بود می شود.

در این باره زنگ تخیلات و افسانه های که با عناوین مختلف: "توسط یکپارچه غرب" و "بندوبست های پنهانی برای درهم کوفتن قدرت ژاپن دوم" و انواع این قصه ها بر زبان های افتاده است، چشم می پوشیم که اگر قرار با شنبه این تصورات تسلیم شویم از همین جا بایستد سخن را در زنجیریم و در عوض دست روی دست بگذاریم و تا فصل چرخش را رده ای ارباب بی مروت دنیا چشم به راه بمانیم و به خود تزیق کنیم که خرابی از آن ها بود و ناچار رد او میرانی و با زنگشت به "آب دانی" هم از آن ها خواهد بود. آن ها که از این قرار به جا دوی اختیار دیگران معتقدند عدا "باید خاموش بمانند و بیپوده نه" این "را متهم کنند که چرا نمی جنبند و نه" آن "را به سرداری و پیشوا بی بخوانند، زیرا وقتی می پذیرند باطل السحر در کف دیگری است منطقی" باید قبول کنند که جز انتظار به عنایت جا دوگرا نهرتکالی بی حاصل است.

بهر صورت اشاره می ما به آثار راه و ده و سهم تلاش های ملی در دوحوزه های برون مرزی و درون مرزی نیز حکایت از این واقعیت است که تا از جوش های درونی مایه ای نرسد، در صحنه های دور از عرصه ای نبرد، رمقی ظاهرنخواهد شد. در گذشته هم ما چرا جز این نبود.

نقل تمام مسئولیت به جنبش دا نشجوی خارج از کشور نشان های از بی خبری و حتی ساده لوحی است. چگونه قابل تصور است که چند هزار دا نشجود رخا رج از کشوری بتوانند سرنوشت رژیم و ملتی را قالب بگیرند؟

در آن دوره که نون آتش درون مملکت قوت می گرفت و شعله های آن در فضا های با زخار جبهه می نشست. می توان با قاطعیت گفت که اگر حرکت های درون مرزی رونق و رمقی نمی یافت و یا حتی در همان شرایط اختفا رسوب می کرد، جنبش های بیرون مرزی نیز خواهنا خواه به سردی می گراشید و چه بسا یک روز بکلی خاموش می شد. فعالیت های خارج از کشور به طور طبیعی تابعی بود از حال و هوای داخلی. تفاوت در این بود که فضا های آماده ای بیرون مرزی تنها به تظا هر آن ها فرصت می داد و بدینگونه آتشی که در ایران زیر خاکستر گل می کرد، در آن فضا ها آشکارا قابل رویت بود. پس هم مایل و هم بی مافی است اگر ادعا شود که تنها این غوغا های بیرون مرزی بود که ده را به روی جبهه مذهبی هموار کرد. واقعیت این است که مشکل جوانان ما در هر زمینه ای، خواه در قلمرو حق طلبیها و خواه در خط اشتباهات

فزاینده، هنوز به قدرت کاسازی که یکپارچه معرا بسج کند، تبدیل نگشته اند. ثانیاً "رژیم پینوشه اگر چه از بیایگه های مردمی محروم است ولیسی "بهر حال" نیروئی از خود با خود دارد و آن گروه همگام نظامیانی است که هر که را از خود تارنده اند، دست کم به ولینعمت و فادارمانده اند.

رژیم گذشته ای ما از این یک دستوری در عا ملان قدرت نیز محروم بود و از این رو فصل انفجار که رسیده چه چیز دود شد و به هوا رفت.

واقعیت ها را نباید با احساسات محض و شعاهای تو خالی مبادله کرد. از اطلاعات نادرست و معیوب به نتایج صحیح نمی توان رسید.

این جنبش های اعتراضی خارج از کشور نبود که به انفجار انجامید، کانون انفجار درون ایران بود که همه هم می بیرونی را رمق میداد.

امروز با بیدار شدن قاعده را منتها در راستاهای آزادیخواهانه و هوشمندانه بی گرفت. مسئله بهره گیری از تجربه ها است که همچنان بیدار باش میزنند "اپوزیسیون واقعی" را گم نکنید - درون ایران است.

بدیهی است که شرایط جهنمی در داخل کشور آنقدر آکنده از جنون بی رحمی و خشونت است که فعالیت های مؤثر و مخصوصاً "سازمان یافته را دشوار ساخته است. با این همه چاره ای منحصر به فرد، گردش فرصت ها و امکان ها به سوی صحنه اصلی مبارزه است زیرا که در آن جا است که سرنوشت شکل می گیرد و از این روست که سوخت رسانی به کانون های مقاومت تبدیل آن ها به یک جبهه تعارضی اساسی ترین وظیفه نیروهای ملی است. از دستاویزهای بیرونی نباید دور می توان غافل ماند ولی حقیقت این است که: تا از

درون خیزشی احساس نشود تقلاهای بیرونی رمقی نخواهند داشت. خاصه که در شرایط کنونی، علی رغم کثرت مهاجران ایرانی که به قولی از مرز دو میلیون نیز گذشته است، نشان های از یک جبهه ی پویا و هماهنگ به چشم نمی خورد و این پیش از آنکه مایه حسرت و فسوس باشد، روایتی از یک امرکاملاً طبیعی است.

عوامل بسیار متنوع: سن، پیوندهای طبقاتی، تعلقات جورا جور، جزئیات در خواستها و اعتقادات، علاقه به بازگشت و دیوارها را از آنچه بود، احیای قالب های گذشته و بعضی ایستادگی ها در برابر بریک تحول اساسی و خلاصه انواع تمایلات و عادت ها، از ائتلاف این جمعیت کثیر و حتی قشرهایی که ظاهراً "به کارهای سیاسی میلی نشان می دهند مانع شده است. چرا که در این قشرها نیز عناصری هستند که به تفکر ملی باور ندارند. ظاهراً به شعاهای خوش آب و رنگ جسیده اند و باطناً، مفهوم آن شعاهای را نمی دانند. از دمکراسی و حکومت قانون "میگویند" ولی از شناختن برای ضد دمکراسی و حکومت بی قانون نیز دست بر نمی دارند.

بوجود نمی آورد. در زمینه های چندی اوضاع امروزه خیلی با آخرین سالهای عمر رژیم رفته ای ما شباهت و در مواردی شباهت دارد. شباهت ها در این جا است که نه تنها "حقوق بشری ها" همچنان با شدت از شکنجه و سخت گیری و مظارا استبداد حکومت پینوشه دامد شاد می آورند و مخالفان نیز در رخا رج از سرزها لحظه ای آرام نمی گیرند، بلکه مؤسسه وحامی خارجی نیز از سنگینی و تسادوم خشونت "ژنرال" ناخرسند است و قاصد در پی قاصروانه می کند که "این شیوه قابل دوام نیست". سوال این است که با این همه چرا رژیم "ژنرال" همچنان سرپا ایستاده است؟ وجه اختلاف با اوضاع گذشته ایران همین جا است. دلیل این "ایستادگی" واضح است. اولاً "علی رغم هیاهوی بیرونی، نارضایتی های درونی ولو عمیق و

و خلاصه این کمبود نبود فرهنگی بود که نسل جوان ایرانی را با مجذوب فتنه های "خوش ظاهر" مذهبی ها می ساخت و با بی بازی های خلقی و چریکی می کشاند. سدهای رسیدن به درخواست ها چنان محکم و نفوذنا پذیر بود که "راه میانه" و راه عقل و پوست کنده با دیدگفت - راه ملی گرائی را از دیده ها می پوشاند. قریب به اتفاق جوانان بیست و چند ساله ما از حوادث دوران ملی شدن صنعت نفت و نقش ریائی آخوندها در آن ایام، نه فقط تصویری که حتی خیری نیز نداشتند، چرا که هر کجا بی از آن روزگار در شمار "منوعه ها" بود و از این رو احساس "جوشی" و لوبانگیزی از آزادیخواهی، به سوی "خصوصیت محض" میل می کرد و فرمتی برای انتخاب مالح باقی نمی ماند. حرکت های اعتراضی در رخا رج از ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود و به عبارت دیگر آنچه در فضا های آزاد غرب جوانان ما را به هیجان می آورد و در مقابل رژیم

## تهدیدهای متقابل امریکا و جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

برداپس  
موشکها ۸۰ کیلومتر است و در هر بار یکگاه  
حدود ۶ موشک مستقر شده است. چند روز پس  
از انتشار این گزارش ها، ایالات متحده  
امریکا به جمهوری اسلامی هشدار داد که  
مانع از عبور آذکشتی ها از تنگه هرمز  
نشود.

"چارلز زردمن" سخنگوی وزارت خارجه  
امریکا روز جمعه ۲۰ مارس اظهار داشت که  
ایالات متحده مراتب نگرانی عمیق خود  
را از استقرار این موشک ها بوسیله  
سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع  
امریکا است، به اطلاع جمهوری اسلامی  
رسانده است. همزمان امریکا به تقویت  
ناوگان خود در نزدیکی خلیج فارس  
دست زد و روز پنجشنبه ۱۹ مارس اعلام کرد  
که ناوگان بی‌رهبری ناو هواپیمابر  
"کیتی هاوک" به نزدیکی تنگه هرمز  
اعزام شده است.

روزیکنشبه ۲۲ مارس سیدعلی خامنه‌ای  
رئیس جمهوری اسلامی، استقرار موشک  
در سواحل ایران را تأیید کرد و گفت  
این موشک ها به سوی خلیج فارس نشانه  
گرفته شده اند.

در همین روز وزارت خارجه اسلامی بطور  
ضمنی به کویت و ایالات متحده، در برابر  
هرگونه مداخله خارجی در منطقه خلیج  
فارس هشدار داد. این هشدار در پی انتشار  
بیبی‌سیه و وزیر امور خارجه کویت داده شد که  
نظر مساعدا بین کشور را نسبت به تقویت  
واحدهای دریایی آمریکا در خلیج فارس  
اعلام کرده بود.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی  
اظهار داشت که هرگونه مداخله خارجی به  
قصد نجات رژیم عراق با واکنش‌های  
شدیدی از سوی جمهوری اسلامی روبرو  
خواهد شد.

سیدعلی خامنه‌ای نیز هم‌صدا با وزارت  
خارج اسلامی اعلام کرد هرگونه تجاوز  
به جمهوری اسلامی با عکس‌العمل شدیدی  
روبرو خواهد شد. در همین حال ضمن آن که  
وزارت خارجه چین کمونیست فشار  
موشک‌های دریا به زمین را به جمهوری  
اسلامی تکذیب کرد، "گاسپاروآین برگر"  
وزیر دفاع آمریکا روزیکشبه ۲۲ مارس  
اظهار داشت برای حفظ آزادی کشتیرانی  
در تنگه هرمز ایالات متحده آماده است به  
هر اقدام لازمی دست زند. با زماندن این  
تنگه برای ما اهمیت حیاتی دارد. اروپا،  
ایالات متحده، ژاپن و بسیاری دیگر از  
کشورها به عبور آذکشتی از تنگه هرمز  
وابسته هستند.

تلویزیون ان.بی.سی آمریکا نیز  
گزارش داد که طرح بمباران ایران به  
وسیله هواپیماهای مستقر بر ناوگان  
آمریکا هم‌اکنون آماده است تا چنانچه  
جمهوری اسلامی بخواد تنگه هرمز را

بقیه در صفحه ۱۱

## بن بست‌ها

ذهن رژیم نرسیده است که دامنه جنگ را  
گسترش دهد و آن را به کشورهای دیگر  
منطقه بگشاند. استقرار موشک‌های زمین  
به دریا در سواحل ایرانی خلیج فارس  
مسأله‌ای نیست که بتوان آن را از سوی  
رژیم تهران فقط یک تهدید فرض کرد. اما  
این تهدید فقط هنگامی از قوه به فعل  
درخواهد آمد که با واکنش سخت روبرو  
نشود.

اگر دنیا در آستانه انقلاب و اندکی پس  
از آن، ماهیت رژیم تهران را هنوز  
نشناخته بود، امروز دیگر کمتر کسی در  
این باره توهمی به خود راه می‌دهد. دنیا  
امروز دربار فتنه است که در برابر این رژیم  
هر قدر بیشتر کوتا می‌آید، اوجسورت‌سز  
خواهد شد. و همچنین از تجربه مداخله  
سوریه در لبنان دربار فتنه است که رژیم  
تهران در برابر رسمیه پرزورواکنش  
دیگری هم نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی خمینی را با یاد بر سر  
عقل آوردی آن را به جای خود نشانده؛ این  
نسخه‌ای بود که تاکنون بدان عمل می‌شد،  
ولی خمینی نه بر سر عقل آمدنه به جای خود  
نشست. در اثر همین تجربه است که  
"واین برگر" می‌گوید دولتی که "ملا"  
متفاوت از رژیم خمینی با بیدار ایران بر  
سرکار آید. "واین برگر" در این برداشت  
تشیه نیست.

دفاع آمریکا از قیامه رفسنجانی یا هر  
ملای به اصطلاح "میان‌هرو" دیگری خوش  
نمی‌آید، بلکه از نروست که زمامداران  
امریکا، هر چند دیر، ولی سرانجام بدین  
نتیجه برگشت نا پذیر رسیده اند که رژیم  
خمینی به هیچ شکلی قابل ادا می‌افتد  
نیست. رژیمی که بنیادهای آن بر  
مرجعیت گذاشته شده است، در حالی که  
هم می‌باشد که رهبر هنوز نفسی می‌کشد، چه  
رسد به اینکه خود مرجع نیز از آن غایب  
باشد.

همه کوشش‌ها برای آن که به جها نیان  
نشان داده شود که در ایران حکومتی  
به‌نجا روجود دارد که می‌تواند خود را با  
قواعد و قوانین مناسبات بین‌المللی  
سازگار کند، عبث از کار برد. رژیم که  
فقط با دامن زدن به ماجراها توانسته  
است خود را نگاردهد، می‌کوشد سیاست  
ماجرای جویی را تا آنجا که می‌تواند، ادامه  
دهد. و چون راه برگشت را به روی خود بسته  
است، چاره‌ای جز این نمی‌بیند که ماجرای  
بعدی را همیشه خطرناک تر از ماجرای قبلی  
براه اندازد.

گروگانگیری دیپلماتهای امریکائی  
ماجرای کوچکی نبود، ولی رژیم  
نمی‌توانست از این ماجرا به‌جا جرای  
کوچک تری برگردد، پس به‌جا جرای جنگ  
روی آورد که بسیار بزرگتر از گروگانگیری  
بود. و امروز ماجرای بزرگتر از این به

## براندازی یک مسئله درون مرزی است

بقیه از صفحه ۲

در مقابل مردمانی هم هستند که بیگدار به  
آب زدن را نمی‌پذیرند، می‌خواهند  
"بدانند" کجای می‌روند و از شعار "بگذار  
این برود هر چه پیش آید خوش آید" -  
دلزده اند و خلاصه از تمانی این "جمعیت  
پراکنده" انتظار همدلی بیپوده است.  
گره کارشان به اندرزدالت نیز گشوده  
نمی‌شود، چرا که از ریشه‌های کلانسال و  
مواضع گوناگون آب می‌خورد. در مقابل  
چنین حالتی توجه به عرصه اصلی مبارزه  
یعنی جبهه درونی بیشتر توجه می‌شود. که  
آنجا یکپارچگی و همدلی در برابر واقعیت  
جبر واقعی تر و بیشتر است.

معهد قابل پیش‌بینی است که توسعه‌ی  
حرکت‌های اعتراضی و مقاومت‌های  
درون مرزی (که مسلماً "نیازمند یک  
اهرم نیرومند سازمانی و رعایت کامل  
کاردر شرایط مبارزه مخفی است) اگر  
نه تمام - لاقلاً بخش قابل توجهی از  
مهاجران جلا وطن کرده را نیز بجموش  
خواهد آورد، بخصوص از این باب که حرفی  
برای گفتن خواهد داشت و در هر  
قدم به پشتوانی خود رجوع خواهند کرد.  
گذشته از این - آیا نپذیرد قبول کرد که:

اگر در ایران نا رضایتی‌های سنگین و  
همه‌گیر به یک حرکت عظیم ملی تبدیل  
شود، نه برای آخوندها مهلتی و بهانه‌ای  
برای معاشقه با "استکبار و شیطان  
سا بقشان" باقی می‌ماند و نه جسارتی  
در "استکبار و شیطان"، که خروش ملتی را  
نا دیده بگیرد و به طناً بست رژیم خود  
را بنده کند؟

دنیا امروز، دنیای محاسبه قدرت  
است. این جا و آن جا هر روز شاهدیم که  
حساب ملت‌ها در معادلات جهانی جا باز  
می‌کند. عروسک‌سازان ناچار عروسک‌ها را  
طلاق می‌دهند و احساس می‌کنند که از  
این بازیچه‌ها دیگر کاری ساخته نیست.  
استثنا تنها در مواردی جاری است که  
خطری از درون این عروسک‌ها را تهدید  
نمی‌کند.

همچنان از فرو افتادن نظامیان حاکم در  
امریکای لاتین و امثال مارکوس‌ها و  
دوآلیه‌ها شاهدیم که می‌گیریم که "حامیان"  
به سقوط آن‌ها مایل نبودند - به تسلیم  
در مقابل ملت‌های معترض مجبور شدند.  
براندازی رژیم جبارآخوندی و مخصوصاً  
راه‌بستن به توطئه‌ها و بنده‌بست‌های

بین‌المللی به صرف اتکاء به نا رضایتی‌ها  
(هر انداز عمیق و همه‌گیر) میسر  
نخواهد بود که نا رضایتی بخودی خود  
نیروئی نیست، فوراً نا رضایتی است  
که به نیرو مبدل می‌شود. همین قاعده  
است که توجه و تکیه به فعالیت‌های بویژه  
سازمان یافته‌ی درونی را تجویز و  
تأکید می‌کند.

در دشواری و "احتمالاً خونین بودن" راه  
گفتگویی نیست. رژیم دامنش با جنگ و  
دندان از موجودیت خود دفاع می‌کند و در  
بی‌رحمی و شقاوت و کوفتن هر نا لسه‌ای  
درنگ ندارد، ولی این راه دشوار را باید  
بی‌چون و چرا پیمود و راه‌های جانگزی  
را تا آب آورد پذیرفت که جز این چاره‌ای  
قابل تصور نیست.



همه‌یها ن عزیز  
هر روز تلفن خبری نهفت مقاومت  
ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح  
شماره درجه‌بازن آخرین خبرهای  
ایران و جهان را فرامی‌دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

### سخنرانی و نمایشگاه عکس در آلمان

کنگره‌هایی که در ماه‌های گذشته در کشورهای مختلف برگزار شده است، به عنوان نمادی از توجه جهانی به حقوق بشر در روزهای ۱۳ تا ۱۵ مارس ۱۹۸۷ در حضور بیش از ۷۰۰ نفر از ۲۲ کشور جهان در شهر کونیگ اشتاتین آلمان برگزار گردید. هیئتی از اعضاء و هواداران نهضت مقاومت ملی ایران با دعوت قبلی از سوی کنگره در اجلاس شرکت کردند و در بیشتر اوقات از ظهر روز شنبه ۱۴ مارس یک نفر از اعضاء کمیته اجلاس نهضت مقاومت ملی ایران از وضعیت ایران گزارش میسوی به کنگره ارائه داد که مورد توجه حاضران قرار گرفت. در بعد از ظهر همان روز کمیته‌ها را با شرکت عدده زیادی از طرفداران حقوق بشر شروع به کار کرد. در کمیته‌ها گزارشی مفصل همراه با مدارک و عکس از جنایات ملاحا و نقض حقوق بشر در ایران ارائه گردید و وضع حقوق بشر در ایران به بحث و گفتگو گذاشته شد. پس از مذاکرات مفصل قطعنامه زیر تصویب اجرا به اجلاس عمومی ارائه گردید:

- ۱ - رژیم جمهوری اسلامی حقوق انسانها را به بدترین شکلی در ایران نقض می‌کند و این امر مورد تنفر شدید شرکت کنندگان در جلسه میباشد.
  - ۲ - محدود کردن حقوق زنان و منع نمودن آنان از برخی مشاغل محکوم میباشد.
  - ۳ - محروم کردن کودکان و نوجوانان از تحصیل و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ محکوم میباشد.
  - ۴ - انحلال سازمان نظام پزشکی و زندانی و شکنجه نمودن پزشکان ایران را محکوم می‌کنیم.
  - ۵ - از پارلمان اروپا مصرانه خواستاریم تا به نفعی که صلاح میدانند از دولت ترکیه بخواهد نسبت به پناهندگان سیاسی ایرانی رفتاری دوستانه تر در پیش گیرد و از پس فرستادن آنان به ایران که همراه با خطر جانی میباشد، خودداری نماید.
  - ۶ - اقلیت‌های مذهبی در ایران در تنگنا بوده و زیر فشار رگداز شدن آنان از سوی رژیم جمهوری اسلامی را محکوم مینماییم.
- در این کنگره تعداد زیادی عکس از جنایات رژیم جمهوری اسلامی و صحنه‌های دلخراش از جنگ ایران و عراق بنمایش گذاشته شد.

#### رادیو ایران ساعت‌های پخش برنامه

برنامه اول
ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه (رادیوهای ۲۵ متر) فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲:۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه (رادیوهای ۲۱ متر) فرکانس ۹۴۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶ تا ۶:۵۵ روی امواج کوتاه (رادیوهای ۱۱ متر) فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ساعت ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲:۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه (رادیوهای ۲۱ متر) فرکانس ۹۴۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

وریکان، رئیس‌جمهوری یکی از دوا بستر قدرت جهان در سخنرانی سال نوی خود از صلح سخن می‌گوید. آقای رئیس‌جمهوری از کدام صلح سخن می‌گوئید؟ از همان صلحی که با فروش پنهانی اسلحه به سه برابر قیمت، و با گرفتن صدها میلیون دلار از کشوری در حال جنگ، بشا رتش را می‌دهید؟ کدام صلح، وقتی که غرب و شرق می‌کوشند تا هر چه بیشتر به ایران اسلحه بفروشند و به این مناسبت نام "کشور بزرگ" را بر آن نهادند؟

تو، ژان - فرانسوا، چند دقیقه‌ای فراموش کن که فرانسوی هستی. خودت را به جای ما بگذار. و بگو چه درآمدی می‌داری. ثروت طبیعی‌ها را از دست می‌دهی، جوانان را در جبهه‌های جنگ و در زندانها قتل عام می‌شوند، مغزهایش به غرب می‌گریزند، و از این همه بدتر آن که کشورهای دیگر از این موقعیت سود می‌جویند و به هیچ روی میل ندارند که چیزی عوض شود. چه باید کرد؟ به کدام سوی باید روی آورد؟ نه برای درخواست کمک، بلکه تنها برای جستن همدردی و تسلی. حرف بزن، فریاد بزن، بجای من بنویس، به خاطر ایرانیانی که روزگاری می‌شناخته‌ای و اکنون کشته شده‌اند. ایرانی را که از هزار رویک شعله می‌درخشید، از یاد دور. سرزمین هزار و یکصد، سرزمین شعرو مهر را از یاد دور.

اینان بغض و فریاد ما را خفه کرده‌اند، اینان حتی رحمان در دل ما کشته‌اند، شما که در فرانسه، در خاستگاه آزادی بسر می‌برید، رو بگردانید، چشم‌پوشی نکنید از این وگوشتان را نشنیدید، شما از دهان ما سخن بگوئید. نگذارید که این چهره‌ها دروغینتی که از ایران و ایرانیان به مثابه ملت می‌شدند، خا رجی و عقب افتاده و متعصب و خرابکار و تروریست به شما نشان می‌دهند، بر ذهن شما تحمیل شود.

با ورکنید که دروغ می‌گویند. قسم می‌خورم که در زیر لاک ما تمام آلوده‌ها ایرانی قلبی سوزان می‌تپد. قلبی که از مهر و عطوفت برای مهمان، برای خارجی و برای دیگری مالا مال است. این قلب همچنان تپنده است. نگذاریدش که سرد شود، که خاموشی پذیرد. با پشتگرمی‌تان به ما دل دهید و دلگرمی‌تان کنید.

برای رهبران رژیم، این جوجه دیکتاتورها، بهترین موقعیت آن است که زندگی اجتماعی و فردی ایرانیان در ظلمت فراموشی از نظر پنهان گردد، که قاتلان در سایه کشتار جنگ با عراق پناه بگیرند و رسانه‌های غربی گل ولای اسلام را بهم نزنند. شما بازی‌شان را بهم بزنید، از ما سخن بگوئید، از ما به زبان ما که به عقیده شما زبانی احساساتی و پراز صفت است، از ما به زبان خودتان سخن بگوئید. ژان - فرانسوا، من از احساسات تو به کشورم آگاهم و نیز شخصیت صادق و انسان دوستی تو را می‌شناسم. و پشتگرمی من به اینها، بیش از دوستی‌ام با تو است. صدای مرا قوت بخش، که این صدای میلیون‌ها تن ایرانی است که در سکوت سربی یاس، رنج می‌کشند. ما را رها نکنید. شما که نورنبرگ خود را برپا کرده‌اید، ما را یاری دهید تا محکمه عدل خود را برپا داریم.

عذرا



### نامه یک ناتوی ایرانی در لیبی

## فریاد خشم میلیون‌ها ایرانی

روزنامه فرانسه "لیبراسیون" در تاریخ هجدهم مارس ۱۹۸۷ متن نامه‌ای که با عنوان "فریاد خشم و مصیبت هرروزه مردم ایران به چاپ رساند. این نامه را به تاریخ پنجمین سال ژانویه ۱۹۸۷ برای دولت دوستان فرانسوی "آتی" و "ژان فرانسوا" نوشت و دوستان فرانسوی عذرانه سراسر درد و خشم و فریاد و آرزوی چاپ در اختیار "لیبراسیون" گذاشتند. قیام ایران، ترجمه نامه با نوبی ایرانی را عیناً "و بدون اظهار نظر به نظر خوانندگان گرامی می‌رساند.

پنجشنبه اول ژانویه ۱۹۸۷ دوستان عزیز، آنی و ژان فرانسوا، من امشب این نامه را در آستانه سال نو برای شما می‌نویسم تا با شما از ایران سخن بگویم. می‌دانم که شما ایران را دوست دارید و می‌دانم که هر وقت بیا دده سال پیش که در ایران بودید، می‌افتید، دلتان فشرده می‌شود. برای شرح وحشت و عذاب که بر ما سایه انداخته و برای نوشتن از جنایاتی که بنام خدا در اینجا رخ می‌دهد، ده‌ها و صدها صفحه کاغذ و قلمی روان و شیوا لازمست که من از هر دو محروم. تنها به این اکتفا می‌کنم که گوشه‌هایی، گوشه‌هایی پنهان زندگی در آلوده سرزمین پارس را که زمانی گوهر درخشان خاورمیانه بود و سپس در لجنزار اسلام فرورفت و گم شد، شرح دهم.

میل‌ها شتم در آغاز، از آن رنج خاموشی که در عمق چشمان ایرانیان خفته است، و از آن شرمساری و تیره‌روزی که موطانم را سرفکنده ساخته است، برایتان بگویم. اگر شما به تهران برگردید محال است که این شهر را با زشتای شهرهای بی‌بانی از شانه‌های فرو افتاده، شهر چشمان مضطرب که نگرانی و خشم از آنها می‌بارد، شهر دست‌های یخ‌زده‌ای که دراز گرفته‌اند و گوشت مرغ یا یک قالب مایون در خود می‌فشارند، شهر نگاه‌های حسرت - آلوده قفسه‌های پر از زگوشت و ماهی، که قیمتشان گرانتر از آن است که مردم - حتی مردم طبقه متوسط و مرفه - با بودجه محدودشان که چون غشایی از غم آنان را در خود می‌فشارد، زعه‌ده خرد آن‌ها برآیند. شهری با پسر بچه‌های سرتراشیده که از

مدرسه‌های ابتدایی بیرون می‌آیند، و با دختر بچه‌های نقاب زده‌ای که در زندان مقنعه و روسری اسلامی محبوس‌اند، این دیگر ایران نیست، این کابوسی است که بر اثر جادوی سیاست بین‌المللی و نیز بی مسئولیتی و بی توجهی ملت ما به واقعیت درآمده. ملتی که از پول نفت لوس شده بود و قدر گوهر آزادی‌اش را نمی‌دانست و آن را به دست کسی که از راه رسید - به آخوندها - تقدیم کرد. کلام من از بیان فلاکت آن زن کردی که امروز صبح در ناوایی دیدم عا جز است. زن می‌گفت که به تازگی از کرمانشاه - که بر اثر بمباران عراقی‌ها به ویرانه بدل شده است - گریخته است. می‌گفت که در کرمانشاه هر خانه‌ای، هر کاشانه‌ای را بمب و ویران کرده است. می‌گفت که در کرمانشاه مردم زیر چادرها همچون حیوانات، و در تعفن و ترس بسر می‌برند. آیا می‌دانید که از وقتی که ثروت‌های مملکت ما را از دست ما گرفته‌اند، مجبور شده‌ایم که شرف و حیثیت ما را، برای ادا مه‌زندگی، به زندان‌ها و زندانها بفروشیم؟ می‌دانید که هر یک از ما از دیگری هراسان است؟ دروسایل نقلیه عمومی، هرگاه کسی که از زشتی‌ها متقاعد جانش به لب رسیده است زبان به انتقاد می‌گشاید بسا که با نگاه‌های پرشک و سوء ظن دیگران روبرو می‌شود که به او به مثابه جاسوس و مزدور رژیم می‌نگرند که قصد دارد زبان مردم را بگشاید و سپس آنان را آلوده و به زندان بکشد. زندان‌ها بی که در آنجا شکنجه جسمی با شکنجه روانی سر رقابت دارند. رژیم در میان مردم تفرقه می‌افکند تا بی رقیب و بی ترس، حکومت کند.

## همه جز فرانسه،

### از جنگ ایران و عراق نفع می برند

آرزوی ایفای نقش حکم حتی بین خود عراق و ایران است. اتحادشوری نیز از ادا مه جنگ ایران و عراق بی بهره نمانده است. مسکو از یک طرف از طریق لیبی و سوریه به جمهوری اسلامی سلاح تحویل میدهد، و از طرف دیگر حکومت فدکونیستی را که نیا زمیری به فروش گاز خود داده از اینجا دمزا حمت در افغانستان بازمیدارد.

ماجرای ایران نگیت، اگرچه در ظاهر عجیب می نماید، ولی در واقع منطق روشنی را در دنیا بیکند، و نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی همان اولویت هسا و سیاست های سوق الجیشی رژیم پادشاهی گذشته را دنبال می کند، که عبا رتند از: - حفظ روابط حسنه با ترکیه و پاکستان (هم پیمانان سابق سنتو)

- رودروئی با ممالک عرب  
- و اتحاد باطنی با اسرائیل.

ملایان به رغم سخنرانی های تند و شعاری آتشین خود علیه صهیونیسم، نه تنها از دولت اسرائیل سلاح می خرند، بلکه بنا به گزارش سازمان های اطلاعاتی مصر، از وجود مشاوران نظامی اسرائیلی استفاده میکنند. این سازمانها فاش کرده اند که اشغال "فاو"، طی عملیاتی صورت گرفت که با روش های ارتش ایران متغایر و از جمله تاکتیک های شناخته شده و بسیار حساس شده و دقیق ارتش اسرائیل بود.

در حقیقت، نگاهی اجمالی به نقشه جغرافیای جهان بخوبی نمایان میسازد که احتمال وقوع هرگونه خطر، صرفا "می-تواند" از ناحیه اتحادشوری متوجه ایران شود. برای ایجاد موازنه، ایران راهی در مقابل خود ندارد مگر آنکه در برابر قدرت شمالی، قدرت مشابهی بیابد که این قدرت جز ایالات متحده نمی تواند باشد. چنانچه زنجیره های حاشیه ای ایران گیت بگذریم این قضیه در واقع جریان یافته را نشان می دهد که کلا "منطقی" است و همچنان هم دنبال میشود، مگر آنکه علی رغم همه افشائریها، تماس های محرمانه بین تهران و واشینگتن کماکان دنبال میشود؟ این اصل را نیا پیدا فراموش کرد که در مشرق زمین واقعیت های سیاسی همیشه برایدنولوژیها چربیده است.

شاید در این میان، تنها فرانسه باشد که منافعش در برقراری صلح بین ایران و عراق است. صلح، به منزله تضمینی برای بازپرداخت بدهی های عقب افتاده بغداد به پاریس خواهد بود، که رقم آن در حال حاضر به ۲۵ میلیارد دلار رسیده است. از سوی دیگر، صلح، زمینه را برای عادی سازی روابط بین تهران و پاریس هموار ساخته، شاید هم به آزادی گروگانها منجر شود. و از همه مهمتر، صلح، باعث خواهد شد که صادرات فرانسه به ایران، که لطمه سختی بر آن وارد آمده از سر گرفته شود.

(فیگارو - جمعه ۲۷ مارس)

جنگ بی رحمانه و بی پایان پذیر که از روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ایران و عراق را رودروی یکدیگر قرار داده است، در بازاری نفت، نقش متعادل کننده را بین عرضه و تقاضا ایفا میکند. اما برقراری صلح بین این دو کشور، که البته احتمالی بعید بنظر میرسد، طرفین را به فکر بازسازی ویرانه ها، و در نتیجه، به تولید هر چه بیشتر نفت و شایع عبا از سوق خواهد داد، که پیاپی مد آن، سقوط قیمت نفت و زیان شرکت های بزرگ نفتی و ممالک عضو و یک خواهی بود. تهران البته ابتکار عمل را در جبهه ها در دست دارد، و اولین برتری را ارتش ایران اخیرا "با تصرف بلندی های "گردمند"، واقع در ۲۰ کیلومتری مرز، و با وارد آوردن صدمات سنگین بر نیروی هوایی عراق به نمایش گذاشت. ارتش ایران تقریبا "ده درصد از کلیه جنگنده های عراق را طی آن عملیات منهدم کرد، که البته این موفقیت را جمهوری اسلامی مدعیان موشک های خریداری شده از آمریکا در ماجرای ایران نگیت است. با این حال، فرارسیدن فصل آب شدن برف ها و سرازیر شدن آن از کوهستان ها و بالا آمدن سطح رودخانه ها در جنوب عراق، پیروزی نسبی ایران را، متوقف کرده است. عراق نیز سخت مقاومت می کند و علائمی که دال بر ضعف یا عدم پایداری ارتش عراق باشد مشاهده نمی شود.

در عرصه دیپلماسی، جمهوری اسلامی تمام ادعاهای قبلی خود عقب نشینی کرده و اینک تاء کید میوزرد که تنها هدف جنگی اش سقوط صدام حسین است، اما دست یابی خمینی به این آرزو همیشه بعید تر بنظر میرسد زیرا رئیس جمهوری عراق به هیچ وجه قصد ندارد خود را قربانی صلح کند. آنها که جرات دارند چنین پیشنهادی را داشته باشند، همگی بهای این جرات را با خون خویش پرداختند. ایران و عراق محکومند که تا زمان مرگ خمینی با یکدیگر بجنگند، اما نشانه های که گویای مرگ قریب الوقوع خمینی باشد به چشم نمی خورد. از طرف دیگر، معلوم نیست که بعد از برگذاری تشییع جنازه خمینی جنگ ادا می پیدا کند. چون ملایان برای تحکیم پایه های رژیم و تهییج عوام به وجود یک دشمن خارجی، و نتیجتا "ادا مه جنگ سخت نیاز دارند. از همه مهمتر، ادا مه جنگ ایران و عراق از دیدگاه تعدا دزیا دی از قدرت های خارجی موهبتی بشمار میرود.

از نظر میرنشین های خلیج فارس، جنگ ایران و عراق، دونیروی بالقوه امپریالیستی را که ممکن است به ثروت آنان چشم دوخته باشند، به جان یکدیگر افکنده است.

سوریه، دشمن دیرینه و سنتی عراق، از ضعیف شدن و درگیر شدن رقیب خود بسیار خوشوقت است و در غیا با این رقیب، بدنبال کسب وجهه در صحنه سیاسی و در

## دین، وسیله ارتزاق سیاسی

دین نمی زند، بلکه به استواری آن بنیادها کمک می کند.

با این همه خمینی که گاه خود سخنانی می گوید که با آن، وجاهت اسلامی حکومت خویش را در معرض تردیدهای جدی قرار می دهد، از جمله اعتراف ضمنی یا آشکار به اختلاف های شدیدی کسه در بین سرکردگان رژیم وجود دارد.

اودر مراسم سالگرد ولادت حضرت علی، که همه آدم های سرشناس رژیم او حضور داشتند، می گوید: "اگر همه انبیا جمع بشوند، همه اولیا جمع بشوند، با هم اختلاف نمی کنند، اگر مدعا لم روحانی باشد، ممکن نیست با هم اختلاف پیدا کنند. (اما) اگر عالمی باشد که شک نیست با عالمی که او هم بخواند دکانی درست کند، اختلاف پیدا می کند."

از همین عبارت خمینی خوب برمی آید که زمامداران رژیم و نه از تبار انبیا و اولیا، بلکه مرده ریک همان روحانی نمایانی هستند که از دین به عنوان دکانی برای ارتزاق استفاده می کرده اند. این شگفت آور هم نیست. نگاهی به سوابق بسیاری از دست اندرکاران رژیم کنونی تهران نشان می دهد که آنان تا پیش از انقلاب از دین برای ارتزاق جسمانی استفاده می کرده اند، و حالا، پس از انقلاب، ارتزاق سیاسی را نیز برآن افزوده اند.

به عکس یک اعتقاد راسخ، آخوند نوعی از سیاستمداری نیست که تا زه با به میسندان گذاشته باشد. آخوند همواره در قدرت دولتی شریک بود. ممکن است انقلاب اسلامی ایران برخی از آخوندهای را بقدرت رسانده باشد که پیش از آن شریک قدرت نبودند، ولی ماهیت این نوآمدگان همان است که در نزد دکانداران دین می شناختیم. منتها تفاوتی در میان است: در روزگار گذشته دکانداران دین از قدرت حاکمان دنیوی به عنوان برگ انجیری برای پوشاندن عورت سیاسی خود استفاده می کردند، حال آنکه امروز آن برگ انجیر برداشته شده است. جاعمه ایران آخوندها همواره درست دیده بود، و نی هرگز به این برهنگی ندیده بود.

آیت الله خمینی سرکردگان رژیم خود را به حکم "عقل و دینا نت" به اتحاد با یکدیگر خوانده است. ولی با خود نیندیشیده است در رژیمی که حکم عقل و حکم دینا نت اصلا روان نیست، این اتحاد چگونه می تواند بدست آید.

تا چندی پیش استنباط همگانی این بود که خمینی نیز، مانند همه دیکتاتورها، با اطرافیان خود بنا به قاعده یا دستور "تفرقه بینداز و حکومت کن" رفتار می کند. این استنباط البته درست است، ولی آنچه اکنون در رژیم تهران به چشم می خورد، تنها تفرقه ای نیست که خمینی از آن بهره برداری کند، بلکه بسیاری بیش از این، اختلافی است که سبب شده است مهاجران را از دست خمینی خارج شود. خمینی طبعاً "زوجودا اختلاف تا بدین حد، نگران است."

البته این برای نخستین بار نیست که آیت الله پیروان خود را به وحدت می خواند و به آنان اندرزمی دهد که اختلاف ها را کنار بگذارد و جلگی زیر علم و سینسه بزنند. خمینی تا کنون دهها بار این موضوع را تکرار کرده است، ولی این بار یکی از موارد نادری بود که اندر زهای او آمیخته به تهدیدهای جدی بود. گفت اگر مصلحت اسلام اقتضا کند فردی یا دسته ای را کنارخواهد گذاشت.

او هر وقت از "مصلحت اسلام" سخن می گوید، منظورش همین جمهوری اسلامی اوست که در سیاست داخلی آن همان گونه مسلمان به جان مسلمانان افتاده است که در سیاست خارجی، گمان نمی رود پس از حکومت پیا میرتا کنون کسی به این انسداد از حکومت خود را با اصل اسلام یکی نگاشته باشد. برای خمینی، اسلام، چنان که در دوره حکومت پیا می وجود داشت، فقط و فقط همین چیزی است که از درون بسک آشوب انقلابی در ایران برخاسته است، به عبارت دیگر این چیزی که از درون آشوب انقلابی در ایران برخاسته، همان اسلام راستین است. چنین امری را در حکمت اصل "اینهما نی" می گویند.

ولی آیا راستی این همان اسلام است، یا اسلام همین است؟ بسیاری کسان در این ادعای خمینی به دیده تردید می نگرند و بر این تردیدهای خود دلایلی مبرهن وجدی می آورند. آنان می گویند بنا به دعای خمینی، هر چه در جهان جز این باشد، غیرا سلامی و حتی ضد اسلامی است. و در اینجاست که خمینی نه در لاس مبلغ دین، بلکه در کسوت سیاستگری جلوه کرده است که عملاً "دین را تا آن حد می پذیرد، یا آن را به گونه ای تفسیر می کند که بسا مقاصد سیاسی سازگار باشد: دین برای خمینی تنها وسیله است نه هدف.

در نتیجه در جمهوری اسلامی او اگر دولت به قتل و آدمربائی و تروریسم و مال مردم خوردن و تبهکاری ریا نی از این دست بپردازد، این نه تنها لطمه ای به بنیادهای

## نامه درباره جنگ

### به ملک فهد

در مسافرت اخیر ملک فهد با شاه عربستان سعودی به لندن نهضت مقاومت ملی ایران در انگلستان با ارسال نامه مشروخی، ضمن توضیح تلفات و مایعات ناشی از جنگ سی حاصل ایران و عراق از شاه عربستان سعودی خواستار کردید کلیه تلافی های خود را در ازای برقراری صلح بین دو کشور مسلمان ایران و عراق بکار برید.



بقیه از صفحه ۱

این نسل بود که میدونمیدی، آن را سوق می داد، خشم و هیاهوی، آن را سوق می داد که برای آنگدن قرن ها و قرن ها کافی بود: ترور جان اف. کندی و برادرش را برت، قتل مارتین لوتر کینگ، جنگ های آتشبار خون فشان برپهنه همه قاره ها، جنگ های خانگی، سیاسی و مذهبی، شورش ها و کودتا ها، سرکوب ها و اختناق های پلیسی و اشغال های نظامی، چکسلاواکی و افغانستان، نیاز به قلب و تحریف تاریخ، نیاز به زدودن تاریخ از فریب و نیرنگ، بی پایان استعمار در آسیا، کشتارهای کامبوج...

به راستی، آیا خشونت را هرگز پیاپی نیست؟ آیا ترس هرگز مقهور نخواهد گشت؟ نفرت، سلاح از کف نخواهد نهاد؟ به کجای شب رسیده ایم، شبگرد...؟

آیا مرگ هرگز در برابر امید انسانی، در برابر همدلی انسانی، سرفروند نخواهد آورد؟ بیست و پنج سال رنج، نبرد و نا کامی، تا کامیابی که با چند پیروزی همراه بود.

کافی بود که جوانان فرانسوی بر نیروی خویش وقوف یا بندت الجزایر، آزادی خویش را به دست آورد... کافی بود که جوانان امریکایی به خروش آیند تا را به جنگ در ویت نام، از حرکت بازدارند... کافی بود که یک رهبر سیاسی عرب، رهسپار بیت المقدس شود تا دولت، مصر و اسرائیل، از خصومت دست بردارند و با آتش و خون، حل مسائل ننگند... این چنین، در گریه و آرزوی بیست و پنج سال، چیزهای آموختیم.

آموختیم که دردیگران، دردماست.

به کجای شب رسیده ایم؟

سرنوشتی شان داریم، بر ما ست که این بی تفتی دل آسوده و آرا که برگرد ما دیوار کشیده، بشکنیم...

بی تفتی... تهدیدی همگین تراز این بر سر نوشت ما سنگینی نمی کند.

اگر دراز زمانی، بیسی از مردمان، بیسی تفتی پیشه نمی کردند، شکتجه گران فرصت نمی آوردند که شیوه های انسان شکن خود را در الجزایر به کار بندند.

امروز دیگری ما داریم... می دانیم که متضاد عشق، نفرت نیست، بی تفتی ست. متضاد ایمان، کفر نیست، بی تفتی ست. متضاد فرهنگ، جهل نیست، بی تفتی ست. متضاد دهنر، زشتی نیست، بی تفتی ست. متضاد صلح، بی تفتی به صلح و جنگ است... بی تفتی، ریشه شر است.

بی تفتی به معنای حبس روح امید است، و به همان اندازه، خوار دشت روان.

به کجای شب رسیده ایم، شبگرد...؟ سال ها برق آسای می گذرد. تاریخ شتاب می گیرد. چه کسی به یاد دارد چهره های اشرک را بر این نسل را، چه گوارا و بیتل ها را؟ چه کسی به یاد دارد مردمانی را که بر سطح ما گام زدند؟ چه کسی به یاد دارد چهره های بی را که به یادمانه ۶۸ را تا روپودبستند یا تا روپودگستند؟ چه کسی خروج دو گل از صحنه را به یاد دارد یا شگفتی عملیات "انتبه" را، یا نخستین یهودی را که از اتحاد شوروی رخت پیرون کشید؟

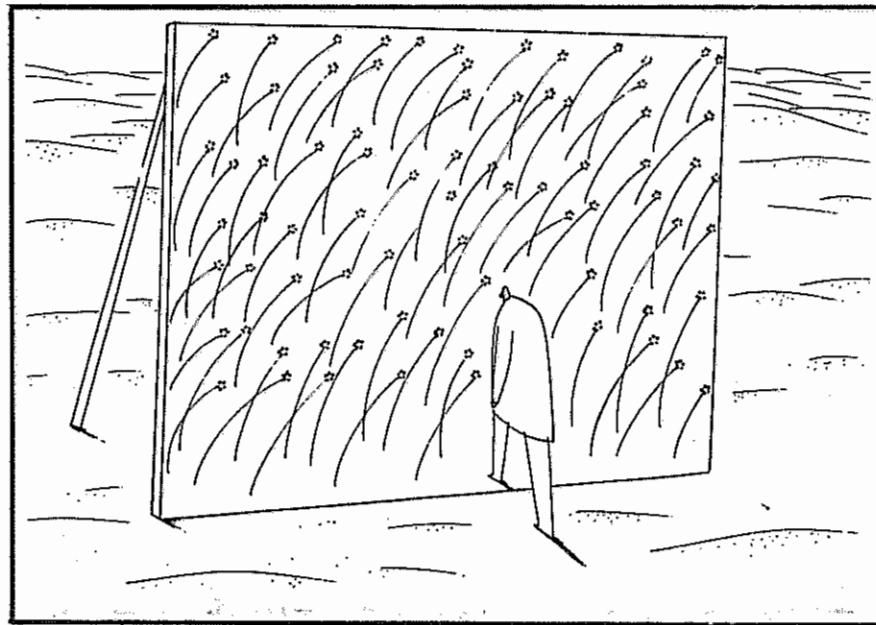
به کجای شب رسیده ایم، شبگرد...؟ بشریت، خرد شده از دعوت های پی در پی به خشونت و محکوم شده به ترس، بر سرای زیستن به خروش و به امیدهای بسیار نیاز دارد.

و با ری، صلح، هدیه خداوند به انسان نیست. صلح، هدیه ماست، بر ما ست که آن را به یکدیگر پیشکش دهیم.

لیبراسیون - ۱۹ مارس ۱۹۸۷

جهان یک تازی می کند: تروریسم بین المللی، تروریسم بی شفقت، کور... تروریسمی که خاصه بر بی گناگان تیغ می کشد. چگونه می توان تروریسم را توجیه کرد؟ تروریسم را نه باید توجیه کرد، نه حتی به درک آن کوشید... باید محکومش کرد... باید پنجه در پنجه اش افکند، باید از صحنه جا معسه بیرونش راند... آری، باید چنین کرد و

آموختیم که آزادی یک اقلیت نژادی، به همه اقلیت ها ربط می یابد. آموختیم که سر نوشت زندان بیان سیاسی، چه در کشورهای کمونیست، چه در نظام های مرتجع، برداشت خاص ما را از شکوه و منزلت انسانی، بی اعتبار می سازد. آموختیم که کودکانی که زیر نگاه ما در آفریقا از گرسنگی جان می سپارند، ما را



دیگر هیچ تروریست ها، نه آلمان گرا، که آدمکشانند. قریباً بیان شان از میان همه ملت ها و از میان بیرون همه گرایش ها و تعلق های سیاسی، گزیده می شوند. اگر

چون مسئولان مرگ خویش می نگرند... چه تعداد از کودکان در این بیست و پنج سال از گرسنگی تازیانه خوردند...؟ به کجای شب رسیده ایم، شبگرد...؟ از بیست و پنج سال پیش، فتنه بی نو در

خوابکاران در پاریس

از تهران دستور می گرفتند

رسیده بود دیگر غیر قابل تحمل بود تا آنجا که رژیم تهران تونسی ها را برای انجام عملیات تروریستی استخدام میکرد. در این حال روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس، نوشت: دستگیری این تروریست ها تلاش های دولت شیراک را برای آزادی گروگان های فرانسوی در بیروت احتمالاً نقش بر آب می سازد.

خبرگزاری فرانسه در شرح حال محمد مهاجر نوشت: ارتباط این گروه تروریستی با جمهوری اسلامی پس از افشای این که محمد مهاجر، یکی از دستگیر شدگان، پاپیه گذار حزب الله لبنان است، بیشتر محرز گردید. محمد مهاجر که دارای همسر فرانسوی است در سال ۱۹۸۳ میلادی در بعلبک لبنان متولد شد و فرزند یک آخوند پرنفوذ لبنانی به نام شیخ حبیب علی ابراهیم مهاجر است که حدود ۲۰ سال پیش در لبنان درگذشت.

مهاجر از ۵ سال پیش در فرانسه به سر میبرد و بدنبال ازدواج با یک زن فرانسوی به تابعیت فرانسه درآمده است. وی طی این ۵ سال بارها به لبنان سفر کرده است. به گفته مقامات امنیتی فرانسه وی به ویژه با همکاری شخصی به نام ابراهیم لامین که با او نسبت دارد، حزب الله لبنان را پایه گذاری کرد.

را ترک کنند. روز ۲۶ مارس کاردار جمهوری اسلامی به وزارت خارجه تونس احضار شد و مدیرکل اداره آسیای وزارت خارجه تونس این ضرب الاجل را به وی ابلاغ کرد. تونس سفارت خود را در تهران در سال ۱۳۶۰ تعطیل کرد ولی روابط سیاسی بین دو کشور همچنان وجود داشت.

در بنیاد نیه تونس آمده است که یکی از اهداف جمهوری اسلامی برهم زدن روابط حسنه تونس با کشورهای دوست بوده است. به نوشته خبرگزاری فرانسه، منظور تونس از "کشورهای دوست" احتمالاً فرانسه است، زیرا علاوه بر گروه ۸ نفری دستگیر شده، اخیراً گروهی تروریست نیز در "جیبوتی" با گذرنامه تونس دستگیر شدند.

سفیر تونس در پاریس "مصطفی زعنون" با صراحت بیشتری اظهار داشت: «خوابکار دستگیر شده که در تونس دارای سابقه بودند با جمهوری اسلامی ارتباط داشتند و بعضی از آنها به ایران سفر کرده بودند. وی گفت که این عده عموماً زمان جهاد اسلامی بوده اند که در تونس به دقت تحت نظر است. سفیر تونس افزود: ما اجازه نمی دهیم که در فرانسه امور کشور دین با سیاست آمیخته شود و ما جدب محل تبلیغات سیاسی تبدیل شود. سفیر تونس گفت: فعالیت های سفارت جمهوری اسلامی در تونس، به حد دخالت در امور داخلی تونس

تونس روز ۲۶ مارس با انتشار بیانییه ای اعلام کرد روابط خود را به علت فعالیت های خرابکارانه سفارت جمهوری اسلامی در تونس، با رژیم تهران قطع میکند.

در بنیاد نیه رسمی تونس آمده است: به علت فعالیت های خلاف شئون دیپلماتیک سفارت جمهوری اسلامی و تلاش های این سفارت برای استخدام تونسی ها به منظور انجام عملیات خرابکارانه، دولت تونس روابط سیاسی خود را با تهران قطع کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات تونس اعلام کردند که پس از تحقیقات، وجود رابطه بین جمهوری اسلامی با گروهک های بنیادگرای تونسی و فریب خوردگان بول یا تبلیغات رژیم اسلامی محرز شده است. این ارتباط به منظور انجام عملیات خرابکارانه در تونس ایجاد شده بود و به وسیله سفارت جمهوری اسلامی هماهنگ می شد.

دولت تونس به ۵ کارمند سفارت جمهوری اسلامی دستور داد ظرف ۳ روز خاک تونس

ارتباط ۸ تروریست دستگیر شده در پاریس با جمهوری اسلامی پیش از پیش مسلم شد. روزنامه فیگارو در درشت ترین عنوان صفحه اول شماره ۲۷ مارس خود نوشت: جمهوری اسلامی در کرسی آنها تروریسم، به نوشته خبرگزاری فرانسه، قطع روابط دیپلماتیک تونس با جمهوری اسلامی، و افشای این که یکی از ۸ تروریست دستگیر شده در فرانسه، محمد مهاجر، بنیان گذار حزب الله لبنان است، ناگهان به ما جراتی که به نظر نمی رسید ابعاد آن از حد دستگیری چند تروریست عادی خاورمیانه ای بگذرد، داشته است. بین المللی بخشد و جمهوری اسلامی را در جایگاه متهم شماره یک نشانید.

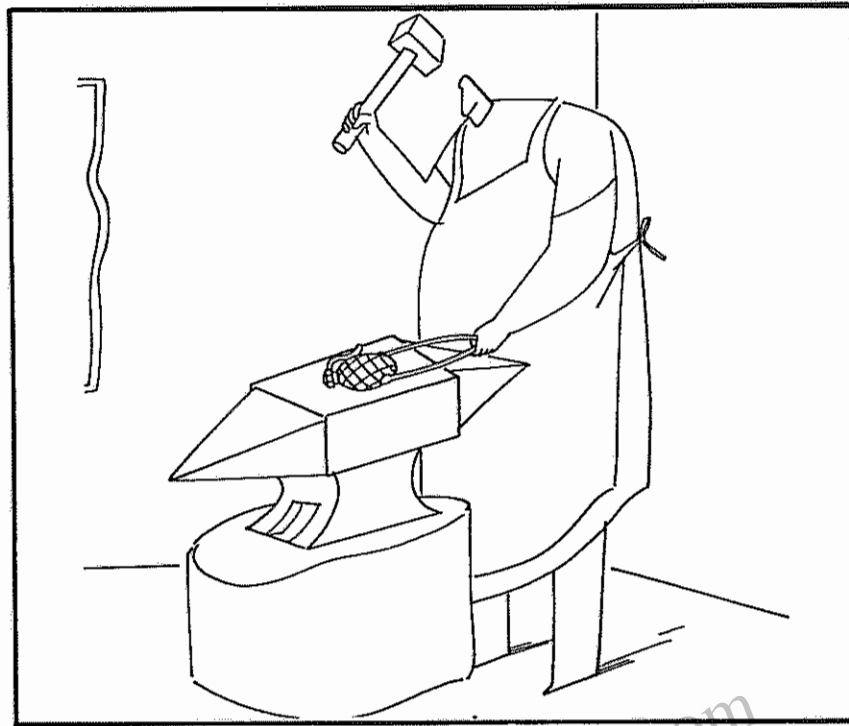
روزنامه "فیگارو" چاپ پاریس در عنوان دیگری نوشت: تروریست های وابسته به جمهوری اسلامی میخواهند پاریس را به خاک و خون بکشند.

داسرای ویژه امور تروریسم پاریس، روز ۲۶ مارس، برای هر ۸ تروریست که ۶ نفر آنها گذرنامه تونس دارند، قرار بازداشت صادر کرد. هم زمان، دولت

بقیه از صفحه ۱

## گزارش ناتو درباره

### مثلث جهانی تروریسم



این کامل ترین گزارشی است که تا کنون در زمینه تروریسم منتشر شده است. نمایندگان مجلس شورای ناتو در گزارش خود، دولت‌های تروریست پرور را محکوم کرده اند و فزوده اندپاره ای از این کشورها با توسل به تروریسم قصد دارند دموکراسی های غربی را متزلزل سازند و پاره ای دیگر از آنها به منظور سوء قصد علیه مخالفان سیاسی خود که در تبعید بسر می برند، به گروه های مستقل تروریستی متوسل می شوند.

در گزارش پیمان ناتو، از جمهوری اسلامی، لیبی و سوریه بطور صریح به عنوان کشورهای تروریست پرور یاد شده است.

در این گزارش آمده است: آیت الله خمینی پدرخوانده تروریسم در سطح جهانی است و هدف او صدور انقلاب اسلامی و از بین بردن نیروهای به گفته خود وی شیطان است که در مقابلش ایستادگی میکنند. بر اساس این گزارش حداقل یک مرکز آموزش تروریست در شهر قم تأسیس شده است. گزارش مجلسیان کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی می افزاید: لیبی حتی تلاش نمی کند تا حمایت خود را از سازمان تروریستی مخفی نگاه دارد. این کشور تا بحال در ۲۰ اردوگاه به ۲ هزار نفر تعلیمات تروریستی داده است.

هر چند لحن گزارش نسبت به سوریه ملایم تر

است اما از رژیم حافظ اشرف در افغانستان، هندوئی "و قصبه مبدی گذاری در هواپیما" و اسرائیلی "ال عال" در لندن، نام برده شده و آمار رژیم حافظ اشرف در افغانستان، هندوئی "و قصبه مبدی گذاری در هواپیما" و اسرائیلی "ال عال" در لندن، نام برده شده است.

دست داده شده است. بر اساس این گزارش رژیم سد، در عین حال که برای پیشرفت مقاصد خود از تروریسم بهره میبرد، به طرز بسیار مفید با واکنش هایی که در مقابل این گونه اعمال صورت می گیرد همکاری می کند.

لحن گزارش ناتو نسبت به شوروی و هم پیمانان او بسیار محتاطانه است هر چند که از روابط ویژه شوروی با کشورهای تروریست پرور نظیر سوریه و لیبی، ابراز نگرانی شده است.

در این گزارش آمده است که از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ تعداد ۵۱۷۵ فقره عملیات تروریستی در جهان انجام شده که ۳۶۸۹ کشته و ۷۷۹۱ زخمی برجای گذاشته است. تنها در سه ماهه اول سال ۱۹۸۶ تعداد ۴۸۸ فقره توطئه تروریستی به ثبت رسیده است که به مرگ ۴۲۲ تن و زخمی شدن ۹۸۱ تن منجر شده است.

از سال ۱۹۸۰ تعداد سوء قصدهای منجر به مرگ سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته است و بیشترین عملیات تروریستی در اروپا انجام گرفته است.

بر اساس این گزارش گرچه تعداد عملیات تروریستی که در خاک آمریکا رخ داده است بیش از یک درصد کل عملیات تروریستی در جهان نبوده اما بین ۳۰ تا ۳۵ از آنها منافع آمریکا را هدف قرار داده اند.

( خبرگزاری فرانسه - سه شنبه ۲۴ مارس )

## پدر خوانده تروریسم

اگر سه دولت باشند که تروریسم از آنها نشأت می گیرد، جمهوری اسلامی یکی از آنها است. اگر دو کشور باشند، با زهم جمهوری اسلامی در شمار آن دو تا است، و اگر یک کشور باشد، جمهوری اسلامی همان یکی است.

اگر حمله تروریست عرب، و رباییننده هواپیمای آمریکا، در آلمان فدرال با زداشت می شود، رد پای او به جمهوری اسلامی می رسد، اکثر تروریستها در فروشگاههای پاریس بمب آتش ز می گذارند، رد پای آنها به جمهوری اسلامی می رسد. اگر مردان مسلح در کنیسه ای در استانبول نمازگزاران را به خاک و خون می کشند، اثر انگشت جمهوری اسلامی بر ماشه های مسلسل آنها دیده می شود. و سرانجام اگر در پاریس، چند تروریست با زداشت می شوند که آهنگ عملیات تروریستی خطرناکی در فرانسه داشتند، باز پای جمهوری اسلامی در میان است.

سفارتخانه های رژیم تهران در همه کشورهای جهان به صورت کاروانها برای جعل گذرنامه، تهیه اسلحه و مواد انفجاری و تدارک اقدامات تروریستی درآمده است.

در رژیم تهران، تفاوت میان ستاد عملیات تروریستی و نمایندگی دیپلماتیک از بین رفته است. دیپلماتی نیز مانند همه چیز دیگر در این رژیم، در خدمت تروریسم "آیت الله نشان" است.

"تروریسم آیت الله نشان" چنان با نام خمینی درآمیخته است که یک کالای تجاری با علامت تجاری آن پیوند خورده است.

"پدرخوانده تروریسم" - این نامی است که مجلس پیمان اتلانتیک شمالی، ناتو، به آیت الله خمینی داده است. در ارتباط با تروریسم بین المللی این قدر که از خمینی نام برده می شود، نام هیچ کس دیگری مطرح نیست، آیت الله، نخست به عنوان فرزند حرام زاده، یک انقلاب به صورت رهبر "زاده شد تا سپس بتواند به پدرخواندگی تروریسم برسد. اینک شهرت بین المللی او، مکمل چهره ای است که در ایران از خود نشان داده است. میان انقلاب اسلامی و تروریسم بین المللی، پل ارتباطی مستقیمی وجود دارد، رژیمی که در سطح ملی از هیچ جناحی روگردان نیست، در سطح بین المللی نیز به هر گونه تبهکاری توانا است. در هر دو قلمرو - در قلمرو ملی و قلمرو بین المللی - نام خمینی با خشونت و جنایت چنان درآمیخته است که یکی تداومی کننده دیگری است.

این برای رژیم خمینی پیامدهای سرنوشت ساز دارد. مبارزه با تروریسم بین المللی که برای آمریکا و کشورهای اروپایی، خاصه کشورهای مهم پیمان اتلانتیک شمالی، به صورت امری حیاتی درآمده است، امروز به نقطه ای رسیده است که در آن از بحث درباره وجود و عدم رژیم خمینی گزیری نیست. به عبارت روشنتر، دولت‌های مهم تا توبه این نتیجه بیچون و چرا رسیده اند که تروریسم بین المللی درختی است که شاخ و برگ آن در همه جای جهان روئیده ولی ریشه آن جز در دوسه کشور وجود ندارد.

اینها همه با ندادن رژیم خمینی قدمت دارد. اما آنچه تا زده است، صراحتی است که دولت‌ها و رسانه های همگانی غرب درباره ارتباط آشکار روپنهان، مستقیم و غیر مستقیم خمینی با تروریسم نشان می دهند.

پیش از آن که "ناتو" عنوان پدرخواندگی تروریسم را به خمینی بدهد، سیاستمداران فرانسه، چه آن‌ها که اکنون در حکومتند و چه آن‌ها که قبلاً حکومت را در دست داشتند، با صراحتی حیرت آوارا از جمهوری اسلامی به منزله خاستگاه اصلی تروریسم نام بردند. و این چند روز پیش از کشف یک شبکه مهم تروریستی وابسته به رژیم تهران در پاریس، اتفاق افتاد.

پلیس کشورهای اروپایی و غیر اروپایی در منزل پیروان شیعه خمینی نشان دنبال مهر و جاسوسان زو قرا آن نمی گردد، دنبال اسلحه و مواد انفجاری می گردد، و نشانی درست را هم پیدا می کند.

در کشف اخیر در پاریس، بسیاری نشانه ها حکایت از آن دارد که گذرنامه های تونس یا لبنانی تروریست ها ساخت کارگاه جعل اسناد جمهوری اسلامی است. به هر حال موضوع آنقدر اهمیت دارد که تونس به عنوان اعتراض، روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کرده است. این قاطعیت می تواند بنده عنوان نقطه عطفی در مناسبات همه کشورهای جهان با رژیم تهران درآید. بدین معنی که همه دریا فته اند چاره کار خمینی در این نیست که به او باج دهند و در برابرش مماشات پیشه کنند.

ممکن است آیت الله با زهم هیزم ها شی چند در کوره تروریسم بیندازد، ولی همه چیز حکایت از آن دارد که این آخرین هیزم های او خواهد بود.

### میتران:

#### پیروزی و اسگرایی مذهبی،

#### خطر ناک است

فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، شب ۲۹ مارس، در گفتگویی با کانال اول تلویزیون فرانسه درباره احتمال برخوردی انیس نقاش، تروریست زندانی در این کشور اظهار داشت که میباید دلش را بی گناهی که در لبنان به گروگان گرفته شده اند، با آدمکشان و جنایتکاران ممکن نیست.

انیس نقاش، سرکرده یک گروه کوماندوئی بود که در تیرماه ۱۳۵۹ در یک سوء قصد نافرجام علیه دکتر شاپور بختیار، نخست وزیر پیشین ایران شرکت جست.

در این عملیات، یک ماه مورپلیس و یک زن به قتل رسیدند و یک ماه مورپلیس ما دامال عمر معلول شد.

فرانسوا میتران درباره جنگ جمهوری اسلامی و عراق گفت این جنگی است با دامنه وسیع و سه جنبه دارد.

نخست، این جنگی سیاسی است که در مرز دو جهان، جهان ایرانی و جهان عرب جریان دارد. سپس، این جنگی مذهبی است و سرانجام، به دلیل مسائل خلیج فارس و نفت، جنگی است استراتژیک. خواست ما این است که در این جنگ، نه جمهوری اسلامی برنده شود، نه عراق، اما وقتی واپس گرای مذهبی حکمفرماست، چه باید کرد؟

فرانسوا میتران در این مباحثه به لجاجت و یکدندگی رهبران جمهوری اسلامی اشاره کرد و در توجیه ادامه فروس جنگ افزایش نسبی به عراق، خطر پیروزی واپس گرای اسلامی را مطرح کرد.



مصاحبه قیام ایران با شارل ویلنو

نویسنده کتاب ماجرای تروریسم

بقیه از صفحه ۱

شارل ویلنو چنان دستمایه های از ده سال تحقیق و تامل لیبی را به ما می دهد...



گروه فلسطینی احمد جبریل ویا سا زمان فلسطینی ایوموسی فرمانده سابق الفتح...

حزب الله و مل و انواع سازمان های دیگر، چون جها د اسلامی و عدالت انقلابی غیره...

می گشاید، می گویید: دولت فرانسه از سال ۱۹۸۱ به وسیله واسطه های با بعضی مقامات جمهوری...

و اسطه های دیگری که از جمله روس های مهاجر است و یکی از واسطه های مرموز وزارت...

در سال ۱۹۸۱ با رفیق دوست به من گفت که وی را در کاشخیم های شاه مملکت

کرد. احمد صادق (نام مستعار) را بسط روپلانگولوف و رفیق دوست نیز حضور داشت...

رفیق دوست، پس از این اعترافات لرزاننده، گفت: - همین جا بود که طرح ترورشا پور بختیا زرا به اتفاق "پنج برادر"...

فرانسه با یدم را ببخشودینج تن جوانی را که در عملیات مقدس قتل شاپور بختیا شرکت داشته اند، پس بدهد.

فرانسه انیس نقاش را از آن دنگر دو تهران به تهدیدهای خود عمل کرد. اروپا تازه دریا فت که جمهوری اسلامی به راستی در شرکت سها می تروریسم یک شریک مهم و صاحب سهم عمده است.

فرانسه، نه تنها از سوی ایران که از جانب عراق هم در خطر تروریسم قرار دارد. در سال ۱۹۸۵ این عراق بود که بدست گروه تروریستی ابوا برا هیم منگلازه بزرگ "ما رکا اندا سپنسر" را منفجر کرد.

عراق هشا ردا ده بود. شارل ویلنو: عراق هشا ردا ده بود. میاد تید که دولت سوسیا لیست فرانسه از ۱۹۸۵ به عادی سازی روابط با تهران اقدام کرد...

بسیاری از خوانندگان ما در باره چاپ جدا گانه کتاب "مصدق و نهضت ملی ایران در کاشخ چپ و راست"

بسیاری از خوانندگان ما در باره چاپ جدا گانه کتاب "مصدق در کاشخ چپ و راست"

با دیدگویی تا کتیک امروز حافظ اسد که با گسیل نیروها یش به بیروت می خواهد...

به این ترتیب آنچه در خاور میانه می گذرد در فرانسه با زتاب دارد. حضور این مسلمانان در فرانسه به این با تباب معنی خاصی دارد.

موضوع دیگر موقعیت لبنان است. فرانسه از نظر عاظمی و فرهنگی به لبنان علاقمند است. فرانسه همواره تکرار کرده است که لبنان با ید مشروعی و حاکمیت ملی خود را بدست آورد...

فرانسه با ساری و هب و دروا بطش با ایران است. زیرا نمی توان ندیش از این غائب با شد و در ایران حضورا قضا دی و سیاسی ندا شته باشد.

فرانسه با ساری و هب و دروا بطش با ایران است. زیرا نمی توان ندیش از این غائب با شد و در ایران حضورا قضا دی و سیاسی ندا شته باشد.

فرانسه با ساری و هب و دروا بطش با ایران است. زیرا نمی توان ندیش از این غائب با شد و در ایران حضورا قضا دی و سیاسی ندا شته باشد.

فرانسه با ساری و هب و دروا بطش با ایران است. زیرا نمی توان ندیش از این غائب با شد و در ایران حضورا قضا دی و سیاسی ندا شته باشد.

راست "سؤال کرده اند. به اطلاع این گروه از خوانندگان عزیزمان میرسانیم که در تدارک چاپ آن بصورت جدا گانه هستیم...

مصدق و نهضت ملی ایران در کاشخ چپ و راست

بر همین دانه البرز، در همین خاک ری، سال نو در چه روزهای غم‌آلود یا شادآوری آغاز گردیده، چه بیم و امیدها برانگیخته! بهارهایی با کامروانی و سربلندی و سبز بختی فراز آمده و بهارهایی با ستم و ناسوسی و شرساری؛ لیکن همه این روزهای شاد و نشاطد بر ایران گینسال گذشته است، و ایران پرغم همه حادثات، پرغم همه افتادنها و برخواستهایش هنوز زنده است.

من در قصر ضمیر خود احساسی دارم، چون گواهی گوارا و میبسی که گاه‌به‌گاه بر دل می‌گذرد، و آن‌ایست که رسالت ایران به پایان نرسیده است، و شکوه و خوشی او باز خواهد گشت. من یقین دارم که ایران می‌تواند قدر راست کند، کشوری نام‌آور و زیبا و سعادتمند گردد، و آنگونه که درخور تمدن و فرهنگ و سالفوردگی اوست.

نگته‌های بسیاری به‌جهان بیاموزد. این ادعا بی‌شک، کسانی را پلیند خواهد آورد. گروهی هستند که اعتقاد به ایران را اعتقادی ساده‌لوحانه می‌پندارند؛ لیکن آنانکه ایران را می‌شناسند، هیچ‌گاه از او امید برنخواهند گرفت.

ایران سرزمین شگفت‌آوری است. تاریخ او از نظر رنکارنگی و گوناگونی کم‌نظیر است. بزرگترین مردان و پست‌ترین مردان در این آب و خاک پرورده شده‌اند، حوادثی که بر سر او آمده بدان‌گونه است که درخور کشور برگزیده و بزرگی است؛ فتح‌های درخشان داشته است و شکست‌های شرم‌آور، نصیبت‌های بسیار و کامروانی‌های بسیار. کوئی روزگار همه بلاءها و یازیبای خود را بر ایران آزموده است. او را پارها بر لب پرتگاه برده و باز از افتادن بازداشت. ایران، شاید سخت‌جان‌ترین کشورهای دنیاست. دوره‌هایی بوده‌است که با نیمه‌جانی زندگی کرده، اما از نفس نینشاده؛ و چون بیمارانی که می‌خواهند نزدیکان خود را بیازمایند، درست در همان لحظه که همه از او امید بر گرفته بودند، چشم گشوده است و زندگی را از سر گرفته.

پرغم تلخ کامیبا، ما حق داریم که به‌کشور خود بنازیم. کمر ما در زیر بار تاریخ خم شده است، ولی همین تاریخ به ما نیرو می‌دهد و ما را باز می‌دارد که از پای در افتیم. کسانی که در زندگی خویش رنج‌نکشیده‌اند، سزاوار سعادت‌تیمند. تراژدی همواره در شان سر نوشت های بزرگ بوده است. ملت‌ها نیز چنین‌اند. آنچه ملتی

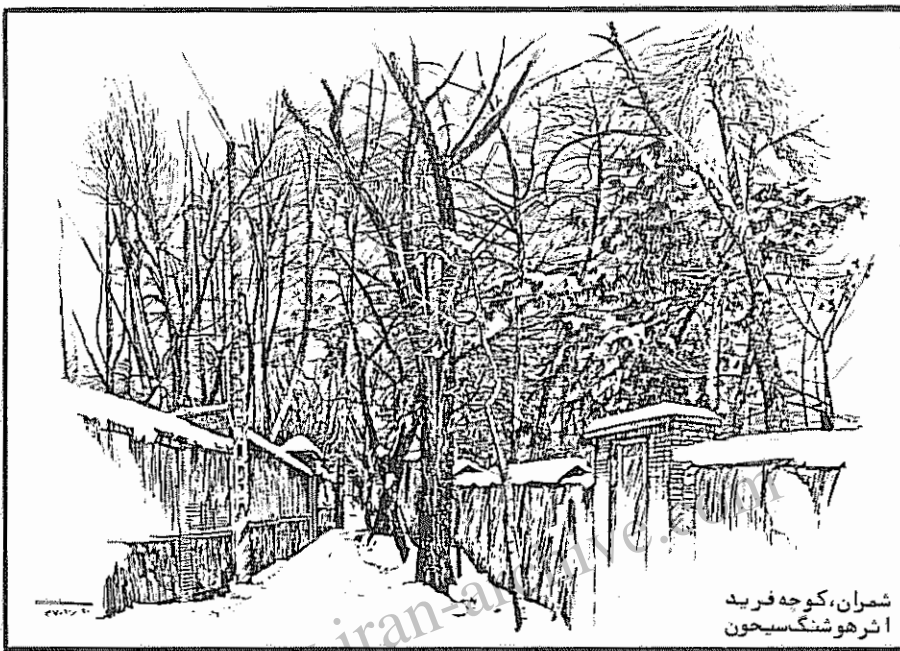
را آبدیده و پخته و شایسته احترام می‌کند، تنهایی‌روزیبا و گودتفرایبای او نیست، نصیبت‌ها و ناملرادیبای او نیز هست. از حاصل دورانهای خوش و ناخوش زندگی است که ملتی شکیبایی و فرزاندگی می‌آموزد. قوم ایرانی در سراسر تاریخ خود از اندیشیدن و چاره جستن باز ناپستاده. دلیل زنده بودن ملتی نیز همین است. آن‌بسه مردان غیرتمند، آئینه گوینده و نویسنده و حکیم و عارف، آئینه نراهی نازارام، پرورده این آب و خاک‌اند و به‌تولای نام ایشان است که ما به ایرانی بودن افتخار می‌کنیم. چه موهبتی از این بزرگ‌تر که کسی بتواند فردوسی و خیام و حافظ و مولای را بزیان خود آنان بخواستند؟ و برای آنکه بتوان آنان را تا منزه استخوان احساس کرد، همان بس نیست که فارسی بیاموزند، باید ایرانی بود. نباید بگذاریم که مشکلاتی گذرنده و نسیبای زمانه، گذشته را از یاد ما ببرد. ما امروز بیش

محمد علی اسلامی ندوشن

# ایران را از یاد نبریم

نژاد یا سلسله سلفان یا خان یا فاتحی اعتقاد کند؛ فلسفه ایران قلمرو فرهنگی بوده و تمدن و زبان، سرزهای او را مشخص می‌داشته‌اند. تاریخ جاوداتی هر ملتی، تاریخ تمدن و فکر اوست؛ ماهیتی وقایع گذرنده‌ای هستند که ارزش آنها سنجیده نمی‌شود مگر در کسکی که به پیبود زندگی و تأمین رفاه مردم زمان خود کرده‌اند. تاریخ واقعی، تاریخ سیر بشریت بسوی ارتقاء است.

از هر زمان دیگری نیازمند آئیم که از شکوه و غنای تاریخی خود الهام بگیریم، زیرا در آستانه تحولی عظیم. خوشبختانه خسر به‌هائی که بر سر ایران فرود آمده است، هرگز بدانگونه نبوده که او را از گذشته خود جدا سازد. حمله تازیان، شاهنشاهی ساسانی را از هم فرو ریخت، کاخ‌ها خراب شد و گنج‌ها بر باد رفته، اما روح ایرانی



شهران، کوجه فرید  
اشرهوشنگ‌سیحون

از ایتر، ما چون به گذشته خود نگاه می‌افکنیم، چندان بدان کاری نداریم که در افلان عهد چه کسی بر ایران فرمان میرانده، یا سرزبانان این سرزمین در کدام خط پاداری می‌کرده‌اند. سیر معنوی قوم ایرانی و جنبش‌ها و کوشش‌های او برای ما مهم است. ما دوران افتخالی ایران را دورانی می‌دانیم که تمدن و فرهنگ به‌شکستگی گرانیده، و دوران انحطاط او را دورانی که تمدن و فرهنگ دستخوش رکود و فساد گردیده. فی‌المثل عصر ساسانی پسراتب درخشانت‌تر از دوران ساسانیه افشار است، و زبان خاندان معنوی برای ایران کمتر از سرد آنان نیست.

مسخر نگردید. ایران ملی قرن‌ها به‌دست فرمانروایان غیر ایرانی حکم‌گذاری شده‌است، ولی چه‌پاک؟ عرب و ترک و غز و منول و ناتار چون میهمانانی بودند که چند صباحی بر سر سفره ایران نشستند؛ آمدند و رفتند، بی‌آنکه بتوانند ایران را با خود ببرند. در همان زمان‌هایی که پیکر ایران لخته لخته شده بود و هرپاره آن در سلطه حاکم‌خودی‌یابیگانه‌ای بود، روح او پهناور و تجزیه‌ناپذیر مانده بود. ایران واقعی تا بدانجا گسترده می‌شد که تمدن و فرهنگ و زبان او در زیر نگین داشت. ایران همواره استوارتر و ریشه‌دارتر از آن بوده است که به

اطبهارنظرهای پراکنده، گاهی غرض‌آلود و احیانا نادرست درباره تاریخ ایران، مردم کشور ما را در ترقیم ارزش وقایع تاریخی گمراه کرده است. در گفتگو بسا بسیاری از «روشنگران» کنونی، غالباً بایکی از این دو عقیده متناقض نسبت به‌گذشته ایران روبرو می‌شویم: گروهی همه فضایل قوم ایرانی را در همه دورانها انکار می‌کنند؛ شایدتجربه‌های تلخی که در عمر خود اندوخته‌اند، آنانرا در انعقاد این عقیده یاری کرده است. گروهی دیگر با تعصب و غلو به‌سوابق تاریخی‌ای می‌نازند که چندان شایسته نازش نیست. این امر که خشایسارشا پردریسا تازیانه زده، یا شاپور کتف اعراب را سوراخ کرده، یا نادر تاقلب هندوستان پیش رفت، برای کودکان دبستان‌روایتی دلنشین می‌تواند بود، اما به‌خودی‌خود برای قوم ایرانی مایه مباهاتی نیست. اگر سره‌ها و ناسره‌های تاریخ از هم جدا شده بود، این عقیده ناروا در میان عده‌ای شیوع نمی‌یافت که برای هم‌آهنگی یا دنیسای جدید باید از گذشته خود بپریم ولای‌های افتخارات پیشین را که ما را در خواب نگاه داشته از گوش بدر کنیم. اگر منظور از افتخارات پیشین کشورگشاییها و یا شقاوت‌های بعضی از امیران قدیم ایران است، پس باید گفت که هیچ تاریخی در جهان درخشانتر از تاریخ قوم منول نیست. اما اگر مقصود سرمایه‌های معنوی و فرهنگ ماست، چون آنها را از دست بنسیم دیگر برای ما چه خواهد ماند؟ آنگاه ما خواهیم ماند و سرزمینی نابآباد، باشی مردم فقیر و رنبور که سرعانی دارند انباشته از اوسام و خرافات و دست‌پایی که تنها هنر آنها بیل‌زدن است.

اگر گمان بریم که کهنگی کشور ایران مانع می‌گردد که ما نو شویم و با نیازمندیهای دنیای امروز هم‌آهنگی یابیم، اشتباه بزرگی است. برعکس، گذشته بارور کشور ما پایه محکمی است برای آنکه سوت‌های آینده بر آن قرار گیرد. ما هرچه در اقتیاس تمدن و علم و فن جدید بیشتر بکوشیم، بیشتر احتیاج خواهیم داشت از گذشته خود مدد و نیرو بگیریم؛ برای آنکه پایمان نلغزد، برای آنکه خود را نیازیم و سرگردان نشویم، برای آنکه در دنیای ماشینی و یکنواخت و سرد، احساس غربت و دلزدگی و ملال نکنیم. از سوی دیگر، خاطر ذکری و معنوی کشور ما، کارنامه چند هزارساله پدران ما و شرح مردانگیها و کوشش‌ها و خطاها و شکست‌ها و توفیق‌های آنان، ما را برمی‌انگیزد که ایران را بدانگونه که شایسته نام بلند او و مقتضای دنیای امروز است بسازیم. ایران سزاوار آنست که خوشبخت و سرفراز باشد، و برای آنکه خوشبخت و سرفراز گردد، باید هم به خود وفادار بماند و هم به‌استیلا علم برجهان کنونی ایمان بیاورد، و در آموختن آنچه نمی‌داند غفلت نرزد. ما فرزندان کنونی ایران مویبت آنرا یافته‌ایم که در یکی از دورانهای رستخیز این کشور زندگی کنیم، این امر هم موهبتی است و هم مسؤولیتی گران بر شانه ما می‌نهد. نخستین نشانه توجه به این مسؤولیت آنست که اسدوار بمانیم و سبور باشیم. این گفته تولستوی را از یاد نبریم: «نیروی برتر از نیروی این دو جنگاور نیست: یکی زمان و دیگری شکیبایی».

بخشی زکتاب "ایران را از یاد نبریم"

اینکه با لایحه را دیوتحویل سال هزار و سیمد ... را اعلام می‌کرد و البته من از آنوقت که یا دم می‌دیدتحویل را با صدای شاه مترادف میدانستم (حتی همین تحویل چندروزپیش که تنها در اطاقم برگزار کردم دلم میخواست صدای شاه را می‌شنیدم) تا زه‌بعدها هم‌با دم می‌دیدملکه شریا حرف می‌زد. ما در بزرگم اورا خیلی دوست داشت بخصوص آنسال که شاه از شریا جدا شده بود و سرتحویل از این موضوع اب‌راز تاء سف کرد. ما چه‌گریه‌ها که نکردیم به‌خصوص که علاقه ما در بزرگم به شریا به ما هم سرایت کرده بود و من می‌ترسیدم از غصه رفتن شریا ما در بزرگم را از دست بدهم. خدا رحم کرد که شهبانوی بعسدی را هم پسندید و قبول کرد. یک تصنیف خانم پوران را من همین امسال سرتحویل شنیدم. یعنی خواهرم برایم فرستاده چون میداند دوست دارم: گل اومدبهار اومدمیرم بصحرا ... و مخصوصاً "آنجائی که میخواند: دلبره پیکرگردن بلورم - عیدا ومدبها را ومدمن از تودورم ... پوران را من خیلی دوست دارم - صدای لطیف زنا نه‌ووجذابی دارد، یکی صدای پوران و دیگری صدای گوگوش را دوست دارم ..."



به‌گفته ما در بزرگم آنرا ذوا لفقار رعلی میدانستم) می‌شناختم و حضرت محمد جدا می‌کردم - از سرتا یا هم‌لیا س‌تازه می‌پوشیدیم و اغلب روز عیدیا دم می‌دید چون کفش تازه بود هی روی فرش می‌خوردیم و زیاد زمین می‌خوردیم - ویک هیجان عجیب و غریبی ایجا دمیشد و از یکسا عت ونیمسا عت پیش از تحسویل می‌نشستیم دور می‌منتظر. فکرهای خوب می‌کردیم و حرفهای خوب می‌زدیم چون مادر بزرگم می‌گفت سرتحویل هر حالی داشته باشه با شیدبقیه سال هما منظورخواهد بود - خیلی سخت بودا یبنهمسا عت فکر خوب پیدا کردن. اما همین به هیجان فکری و روحی این دقیق آخر سال می‌غزود. تا

من او را بعد پرستش دوست داشتم، هفت سین بسیار قشنگی می‌چید، پدر بزرگم را به‌ا سررار حما معید می‌فرستاد، او هم خیلی از حمام که در میا مدخوشگل میشه می‌نشست سرمیز هفت سین، ماهی‌های قرمز دنیسال هم می‌دویدند - آئینه و قرآن و سبزی که همیشه سبز و خرم و پریش بود (گندم و عدس) با گل‌دان سنبل اقلاد و دوسه تایی دا نما "آنها را بومی‌کشیدم، پدر بزرگم که در باقی سال یعنی ۳۶۴ روز سال اهل قرآن خواندن نبود، سرتحویل به سفارش مادر بزرگم قرآن میخواند البته نه‌ز زیاد بلند. شما یل حضرت علی و پیغمبر را هم که در یک قاب مشترک بودند روی میز می‌گذاشتند - من علی را از زمشیرش (که

## تبریک نوروز و پوزش

بمناسبت فرا رسیدن نوروز فرخنده، بسیاری از خوانندگان عزیز ما با ارسال نامه و کارت تبریک، نسبت به شورای نویسندگان قیام ایران ابراز لطف شاملی کرده‌اند. با توجه به اینکه فرصت پاسخگویی را برای تشکر جداگانه زهمه این دوستان را نداریم، بدینوسیله مراتب امتنان صمیمانه خود را به حضورشان تقدیم می‌داریم و آرزوی کنیم که سال نو، سال آزادی ایران عزیز و پایان غم‌گریبی و غربت ما باشد.

ضمناً به رسم هر ساله که بعنوان نمونه یک کارتی با یک نامه رسیده را چاپ می‌کردیم، از میان انبوه نامه‌ها، قسمتی از نامه‌ها یک خانم جوان مقیم ایالات متحده را به نظر شما می‌رسا نیم:

شورای نویسندگان



(بعدا و تبریک نوروز)  
" ... عید نوروز را پذیرا درم بیشتر مسافرت می‌رفتند و من و خواهرم پیش‌مادر بزرگ و پدر بزرگ می‌ماندیم. مادر بزرگم، که

## نوروز در هلند

داشت و برای اولین بار اختلافات سیاسی، بخاطر بزرگداشت یک سنت ملی کاملاً فراموش شده بود. بر نامه این سب نشینی ایراد سخنانی کوتاه در باره تئوروز و موسیقی سنتی ایرانی بود و تعداد شرکت‌کنندگان از سصد نفر تجاوز کرده است. مخارج این سب را خود بنا‌هندکان ایرانی و دو تنغرا از ایرانیان نیکوکار تاء مین کرده‌اند.

بموجب گزارش رسیده ز هلند، روز جمعه ۲۹ اسفند ۶۵ برابر ۲۰ مارس ۱۹۸۷ به مناسبت عید نوروز یک مجلس سب نشینی از طرف کلیه گروه‌های سیاسی با تفاق و بدون توجه به راه و روش سیاسی شان، در شهروتردام هلند برگزار شد که زما عت ۹ شب تا هنگام تحویل سال نو ادامه داشت. بنا سرتو افقی که بین گروه‌های مختلف شده بود بین مراسم عنوان سب ایرانی

### تهدیدهای متقابل

### امریکا و جمهوری اسلامی

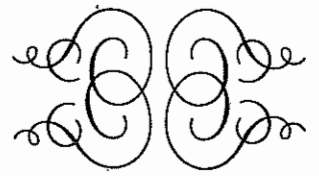
بقیه از صفحه ۳

ببیند بده مرحله اجرا درآید. براساس این طرح، محل استقرار موشک ها و تاء سیاست نظامی بندرعباس بمباران خواهد شد. "گاسپارواین برگر" در مصاحبه با تلویزیون ان.بی.سی. همچنین گفت: "امریکا مایل نیست جمهوری اسلامی در جنگ با عراق پیروز شود. من با رها بی فروش اسلحه به جمهوری اسلامی مخالفت کرده بودم، زیرا هیچگاه دچا را این تصور نبودم که میتوان به رژیم جمهوری اسلامی یا هر یک از عناصر آن اطمینان کرد. فکر برقراری ارتباط با "عنا صرمیا نهر" در جمهوری اسلامی وهم و خیالی بیش نبود. "وا این برگر" گفت: "با توجه به اهمیت استراتژیک ایران با یقین از این که ما روابط دلخواه با این کشور پیدا کنیم، حکومتی کاملاً متفوت در ایران بر سر کار آید. همچنین روز دوشنبه ۲۳ مارس کاخ سفید آمریکا با ریگرتا کید کرد که آمریکا برای بازنگارداشتن تنگه هرمز و تضمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس بهرگونه اقدام لازمی دست خواهد زد.

بدنیال این هشدارها هاشمی رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع روز سه شنبه ۲۴ مارس در مصاحبه با واحد مرکزی خبر، آمریکا را تهدید به عملیات تروریستی کرد و گفت: "امریکا نیها یکبار آزمايش کردند و به طیب آمدند. توفانهای طبیعی نیرومندترند. ما الان آمادگی بیشتری داریم و اگر چنین اتفاقی بیفتد در همه دنیا برای آمریکا ناامنی به وجود خواهد آمد و حوادت لبنان در همه جا میتواند برای آمریکا تکرار شود." اشاره رفسنجانی متوجه انجمن سفارت آمریکا در بیروت و انجمن در مقربتنداران دریا نی آمریکا در ۴ سال پیش بود که بیش از ۲۵۰ کشته برجای گذاشت.

تهدیدهای هاشمی رفسنجانی با تحقیر و تمسخر وزارت امور خارجه آمریکا روبرو شد. "چارلز ردمن" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا روز چهارشنبه در مقابل خبرنگاران گفت: "من این افتخار را به جمهوری اسلامی نخواهم داد که چنین تهدیدهای غیرمسئولانه را مورد تفسیر قرار دهم.

در این حال شرکت بیمه لویزدن روز چهارشنبه ۲۵ مارس اعلام کرد که جمهوری اسلامی خیرا "یکی از موشکهای ج.و.ای." خود را با موفقیت آزمايش کرده است. به گزارش لویزدن، موشک مزبور به منظور آزمايش به سوی لاشه یک کشتی در آبهای بندرعباس شلیک شد و آن را هدف قرار داد.



### خوابکاران در پاریس از تهران دستور میگرفتند

بقیه از صفحه ۷

مهاجر در توجوانی در حوزه علمیه نجف تحصیل می کرد ولی سپس آن را رها ساخت و برای ادامه تحصیلات متوسطه عادی به بلژیک بازگشت. وی شاگرد حسین موسوی بوده است که رهبر سازمان تروریستی امل اسلامی، یکی از نخستین گروههای بنیادگرای لبنان است. محمد مهاجر از ۵ سال پیش در رشته علوم دینی یکی از دانشکده های پاریس وابسته به دانشگاه سوربن ثبت نام کرد. خبرگزاری فرانسه می نویسد: برینه ای که این گروه را با برادران تروریست "حمادی" در آلمان قوت می بخشید آن است که مواد منفجره کشف شده نهمه آنان از یک نوع است و در بطری عرق مشابیهی نگارهای میشد که مصرف آن در لبنان رایج است. این ماده منفجره به صورت مایع و دارای قدرت تخریبی بسیار زیادی است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، یکی از دستگیرشدگان "حسن آروا"، که راننده تاکسی است اعتراف کرد که چند بار با تاکسی خود مواد منفجره به جنگل های اطراف پاریس حمل کرده است. اینک ما موران تحقیق مشغول بررسی هستند تا روشن شود آیا این عمل در توطئه های خونین دوسال گذشته پاریس دست داشته اند یا خیر. مسئولیت این انفجارها را "کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه" برعهده گرفته بود. در این میان وزیر کشور فرانسه،

"شارل پاسکوا" اعلام کرد که این ماجرا می تواند هنوز پیاپی مهای بیشتری به دنیا داشته باشد. در این حال در اعلامیه ای که روز جمعه ۲۷ مارس در بیروت منتشر شد، حزب الله اعلام کرد که هیچگونه رابطه ای با محمد مهاجر ندارد. در اعلامیه حزب الله آمده است که مهاجر از سال ۱۹۸۲ و پیش از آن که ارتش اسرائیل وارد لبنان شود، در پاریس زندگی می کرده است. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز روز جمعه ضمن حمله به دولت تونس، تصمیم این دولت مبنی بر قطع روابط سیاسی با جمهوری اسلامی را اقدامی "غیرمسئولانه" و بی اثر خواند. وی اظهارات تونس را مبنی بر این که جمهوری اسلامی در آن کشور دست به تحریک عوامل مذهبی زده است رد کرد ولی از سوی دیگر ناشیانه تاء کید کرد که جنبش اسلامی در تونس در حال بیدار شدن و شکل گرفتن است. از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری فرانسه، منابع بسیار موشق در پاریس روز سه شنبه اعلام کردند اطلاعاتی که سازمانهای امنیتی آلمان فدرال در اختیار فرانسه قرار دادند، باعث دستگیری این عده شد. این نکته نشانگر آن است که کشورهای اروپایی همکاریهای جدی و مؤثری را برای مبارزه با تروریسم آغاز کرده اند. مقامات آلمانی این اطلاعات را از برادران حماده بدست آوردند که در ژانویه گذشته در فرانسفور دستگیر گردیدند.

### درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۱۲۰ فرانك فرانسه -

شش ماهه ۶۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

این جانب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین ) نام خانوادگی: Nom ..... نام: Prénom ..... آدرس: Adresse: .....

ما یلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به صورت منظم به شما ارسال فرمائید. شماره حساب پستی: ۱۱۶۲۴۷۰۰۲۰۰

تاریخ: ..... شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

تاریخ: ..... شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

### توجه لازم

تصاندا در تقاضای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامهای کذبانه ارسال حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

### محمود و ایاز:

### عشق یا اشتهاست

بقیه از صفحه ۶

جو عشق اوست عشق بی قیاسم برای آن جهان باید ایاسم (= ایازم) بخواند آخر ایاز سیم تن را نهان در گوش او گفت این سخن را: که ای همد، بحق عهد معبود به پیش کس کمر هرگز نیندیدی که چون تابوت گردد مهد (گهواره) محمود زبان بگشاد ایاز و گفت: آری اگر من بودم مردار رخساری نبود همجو محمودی شکارم مگر پنداشتی مردار خوارم؟ جو محمودی به مویی می توان بست نیا رم (= جراثمی کم) پیش غیر او میان بست

بزرگانی که سر بر چرخ سوندند همه در خدمت محمود بودند شو عالم بدیشان کرد رویی که در خواهد هر کس آرزوی شهرو مال و ملک و منصب و جاه بیسی در خواستند آن روز شاه چونوت با ایاز آمد، کسی گفت که ای در حسن طاقی، و با هنر جفت چه خواهی آرزو؟ گفتا که یک چیز جز آن یک می نخواهم من دگر چیز من آن خواهم همیشه در زمانه که تیر شاه را باشم نشانه و چون بزرگان از ازمی پرسند این چه آرزویی است که تو می کنی جواب می دهد: که اول بر نشانه چندره شاه نظرمی افکند، پس تیر آن گاه جو اول آن نظر در کار آید در آخر زخم کی دشوار آید

\*\*\*

ایاز سیمبر، بر بانگ بلبل بخته بود زیر سایه گل چو سلطان را خبر آمد، روان شد به بالین ایاز دلستان شد به زیر سایه ای دید، آفتابی عرق کرده زگرما، چون گلابی به بالینش بسینست و بگریست نمی شد سیراز او چندان که بگریست (= نگاه کرد) به آخر چون ز خواب خوش در آمد ز سرم شاه، چون آتش بر آمد چو شامش دید، گفت ای حسن آفتاب من رفتم اکنون در آن ساعت که تو بی خویش بودی ز هر وقت که گویم، پیش بودی در آن ساعت که دیدم جان فزایت نبودی تو، که من بودم به جاییت چو با خویش آمدی، محبوب شدی، چو تو طلب شدی، مطلوب گم شد چو تو طلب شدی، مطلوب گم شد

\*\*\*

مگر (= شاید) سلطان دین، محمود یک روز ایاز خاص را گفت: ای دل افروز که رادانی تو، از مه تا به ماهی که از من پیش دارد پادشاهی غلامش گفت: ای شاه جهان دار منم در مملکت پیش از تو، صد بار پس آنکه شاه گفت آن نازنین را که ای بنده، چه حجت داری این را؟ زبان بگشاد ایاز و گفت: ای شاه چه می پرسی؟ جوزین رازی تو آگاه اگر چه پادشاهی حاصل تستت ولیکن پادشاه تستت دل تو زبردست این غلام است مرا این پادشاهی خود تمام (= کافی) است

\*\*\*

امیدواریم دلایل کافی برای آن که ما برای میان محمود و ایاز عشق و دل باختگی بوده است نه شهنشوت و نفس پرستی، به خوانندگان عزیز عرضه شده باشد

بقیه از صفحه ۱

نخست وزیر رنگ برنگ شد و به لحن گلسه آ میزی گفت :  
- آ خرنا سلامتی من نخست وزیرم .  
ژنرال گفت :  
- حق با توست ... معذرت میخوام هم ...  
یکی هم برای خودت بیا وری !

نخست وزیر جمهوری اسلامی هم بیک چنین تحفه ایست که ای کاش به همان گسرفتن آفتاب به لکن و آوردن چای برای آخوندها اکتفا کند چون در آن صورت در دست راستی برای مردم نخواهد داشت . مردم بخوبی میداندند نخست وزیر در مجموعه حکومت کنونی چرخ پنجم در شگه محسوب میشود . نه اختیاری دارد و نه اقتداری . خود او هم صریحا " میگوید من مقلدهستم و آنچه را آخوندها دستور میدهند اجرا میکنم . پس کسی از چنین نخست وزیری هیچگونه توقعی ندارد . ولی اشکال کار اینست که آقای نخست وزیر جمهوری اسلامی ضمن اجرای دستورات گاهی میخواهد اظهار وجودی هم بکند و نشان دهد که وقتی میگوید نخست وزیر یعنی نخست وزیر نه بزرگ چغندر !  
از هنرهای نخست وزیر جمهوری اسلامی ، افافات کلامی اوست . برای یک نخست وزیر مقلدا گرافاده مردم مقدور نباشد افاضه کلام مقدور است خصوصا " در سرزمینی که مهمل بافتن و بی معنی حرف زدن کسی را به درد سر نمی اندازد و برعکس اگر کسی چیزی گفت که استنباط معنی از آن شد سرش به خطری افتد .

هدایت اصغها نی در زمان شاه هم سبب ادعا کرد که قاعدراست در بحر و وزن خمسه نظا می دیوانی ترتیب دهد که هیچکدام از ابیاتش معنی نداشتند . شاه طهماسب عهد کرد که بابت هربیت از اشعار بی معنی این کتاب یک دینار بدهد و بیا بدهد و در مقابل هربیتی که استنباط معنی از آن شد یک دینار نش را بکنند و بر کله اش بکوبند . شاه عرفت و دیوان خود را فراموش کرد و بحضور شاه عرضه داشت ، این دیوان سراپا اشعاری بود قاعده معنی ازین قبیل :

اگر عاقلی بخیه بر مومزن  
بجز بنیه بر نعل آه مومزن  
که نعل از تحمل مریا شود  
به صبر آسپا کهنه حلوا شود  
ز شلوا ز زنبور و فسا ربیر  
قفس میتوان ساخت اما به صبر  
از بخت بدشاعر ، علی رغم جایزه هنگفتی که بابت مهمل باقی نصیبش شد ، چند بیت در دیوان او یافتند که چندان بی معنی و بیاه و به نظر نمی رسید ، به ازای آن ابیات با معنی چند دینار او را بکنند و بر سرش کوفتند و نوشته اند که جانش را بر سر این چند بیت از دست داد .

در باره یکی از نخست وزیران اسبق نیز شادروان نصرالله فلسفی میفرموده و در دوره متوسطه شاگرد من بود . در کلاس درس ، او را شاگردی سطحی ولی پرمدعا و مهمل گو بجا آوردم ولی در پایان سال تحصیلی وقتی او را ق امتحان تاریخ و جغرافیا را تصحیح می کردم با کمال تعجب دیدم او سه صفحه ، پشت و رو ، جواب نوشته است . شروع کردم به خواندن ، متوجه شدم که در تمام این سه صفحه ، بقدرت خدا سه سطر مطلب مرتبط وجود ندارد ، او را خواستم و گفتم : نظر درین

# اندیشه های يك مغز بزرگ!

و امتحان این ورقه به مفت نمی آرزد ولی از لحاظ استعدادی که در مهمل بافتن به خرج داده ای و توانسته ای اینهمه مهمل را مربوط را در زمانی محدود بدنبال هم بیاوری استحقاق جایزه داری !  
باری ، یکی از آن کسانی که بخاطر استعداد بی حد در پرآکنده گویی و مهمل بافتنی استحقاق در یافتن جایزه دارد همین بزرگوار است که آیت الله خمینی او را مناسب ترین شخص برای نخست وزیر - ری تشخیص داده است .  
نطق آقای نخست وزیر در سمینار " راه های از وابستگی به درآمدتک محصولی نغست " قریحه کم نظیر او را در زمینه راه های لفظ از قید معنی اثبات می کند .  
در قسمتی ازین نطق ، نخست وزیر جمهوری اسلامی به مسأله عدم وابستگی در زمینه تسلیحات پرداخته و نتیجه گرفته است که بایست سیستم دفاع خانه به خانه را جانشین دفاع عمومی کرد تا دیگر احتیاج به خرید اسلحه و روی آوردن به تکنولوژی مدرن نباشد و مملکت از لحاظ دفاعی خودکفا شود .

آقای نخست وزیر جمهوری اسلامی دوطرز فکر مختلف را در زمینه سیاست دفاعی کشور مورد بحث قرار می دهد و میگوید :  
" یکی از مفا همی که بشدت در رابطه با وابستگی برایمان مطرح بوده وابستگی نظا می است که در آن آینده سیاسی و آینده نظام مطرح است . در یک روش بنظر می آید که جدا شدن از وابستگی به معنی آنست که بیشترین سلاحها را در اختیار خودمان داشته باشیم ، امکان ساخت آنها را بدست بیاوریم و در این جهت اگر توانستیم تمام این امکانات را در جهت دفاع از کشور برای خودمان تهیه کنیم آن وقت است که از وابستگی نجات پیدا کرده و خودکفا شده ایم ، در حالی که یک روش دیگر بطور مثال میگوید اگر برگردیم و با استفاده از تمام نیروی انسانی در داخل کشور ، تمام مملکت را تبدیل به سنگر کنیم و ده ده و کوچه به کوچه مکان دفاع از کشور را فراهم بیاوریم ، در اینجا دیگر مسأله سرمایه و تکنولوژی مدرن وجود ندارد و اینجا خودکفایی معنی دیگری یافته و راه حل دیگری دارد ... "  
بعدا از مقایسه این دو روش ، آقای نخست وزیر میگوید :  
" بنظر می آید که با واقعیت های جامعه ما راه حل دوم بیشتر سازگار باشد و این امر بدان معنی نیست که از تکنولوژی جهانی بریده شویم و نیروییم به سمت سرمایه گذاری حساس در زمینه نظامی و روی پای خودمان

مدرن که مستلزم وابستگی به ابر قدرت ها است ، راه حل دوم را مناسب حال ایران تشخیص می دهد اما در عین حال از نظر دور نمی آید که این سنگر های دفاعی در خانه ها و کوچه ها و پشت بام ها لابد در صورت بروز جنگ با توپ و تانک و هواپیما و موشک و راکت مورد حمله قرار میگیرند پس آن ها هم برای اینکه بتوانند دفاع کنند باید به سلاح های ضد هوایی و ضد تانک و ضد موشک مجهز باشند ، اینست که دوباره آقای نخست وزیر توضیح میدهد روش دوم که روش مورد قبولی و موجب راه های از وابستگی است به معنی آنست که صرف نظر کردن از سلاح های مدرن و بریدن از تکنولوژی جهانی نیست ، در این صورت نتیجه بی که از سخنان حکیمانہ آقای نخست وزیر عاید میشود اینست که مثل دوره شاه شهید که مردم در خانه هایشان مریا و ترشی می انداختند و در شته می بریدند و نان می پختند و در موقع زمستان ، وقتی برف سنگین می بارید و جاده ها بسته میشد ، به نحوی خود کفا بودند و از دولت انتظار نداشتند که در هر مرحله و هر خانوادها برای خودشان تانک و توپ و مسلسل و خمپاره و نارنجک و موشک ضد هوایی بسازند یا بخرند و ذخیره کنند و دیگر از هیچ چیز ترسند !

## ابواباد :

### جمهوری اسلامی را بنده تری ویت است

را کاه از هاشمی رفسنجانی و کسبا ، از حسنعلی منتظری دریافت میکند .  
با آوری می کنیم که هفته نامه روسی " لیترا تورنا یا کازتا " در شماره ۱۸ مارس خود نوشت که " تری ویت " در سفارت جمهوری اسلامی در بیروت محبوس است .  
سفارت جمهوری اسلامی روز بعد با انتشار بیانه ای اعلام کرد که مطالب منتشر شده در مجله روسی ارتباطی با سفارت رژیم بعثان در بیروت ندارد .  
ابواباد از سوی دیگر گفت که چهار استاد دانشگاه آمریکا بی بیروت به وسیله ، سه نظامیان سازمان امل و با اطلاع و حمایت سوریه ربوده شدند و هم اکنون در دست مقامات سوریه در بیروت غربی نگاهداری میشوند . به گفته ابواباد نقشه سوریه آنست که چهار کروکوان آمریکا را از آزادی زد و چنین وانمود کند که در مذاکره با مقامات رژیم بعثان برای آزادی کروکوانها تکیه کرده است و به این ترتیب ، با آزادی کردن آنها چهار تن از کروکوانها ، از زیر بار مسئولیت طغری رود .

ابواباد ، مسئول سرویس های امنیتی سازمان الفتح در مصاحبه ای با هفته نامه " اسپیکل دولت جمهوری اسلامی را متهم کرد که در ربودن کروکوانهای غربی ، نقش اصلی را بر عهده دارد و توسط سفارت خود در بیروت و نیز با زوی مسلحان حزب الله ، به عملیات آدم ربائی دست میزند .  
ابواباد در مصاحبه خود با اسپیکل افزود :  
حزب الله عامل اصلی ربودن تری ویت ، نمابنده اسقف کاتولیک است که سه هم اکنون در بیروت در بازمانده است که وی همچنین اظهار داشت که دو کروکوان آلمان غربی و نیز چند کروکوان فرانسوی در دست حزب الله سیرند .  
ابواباد تاءکید کرد که حزب الله در واقع یک سازمان مخفی است که سازمانهای کونا کون با نام های کونا کون مانند آنها را در آزادی ، جدا سازی ، جدا سازی ، فلسطین ، سازمان عدالت انقلابی و غیره ، همگی زیر نظر رهبری حزب الله عمل میکنند .  
معاون یا سرعفات اظهار داشت که فعالیت های گروه حزب الله در لبنان ، به وسیله سفارت جمهوری اسلامی در بیروت هماهنگ میشود که دستورات خود

## نشانی :

QYAM IRAN  
C/O C. B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE



# ایران هرگز نخواهد مرد